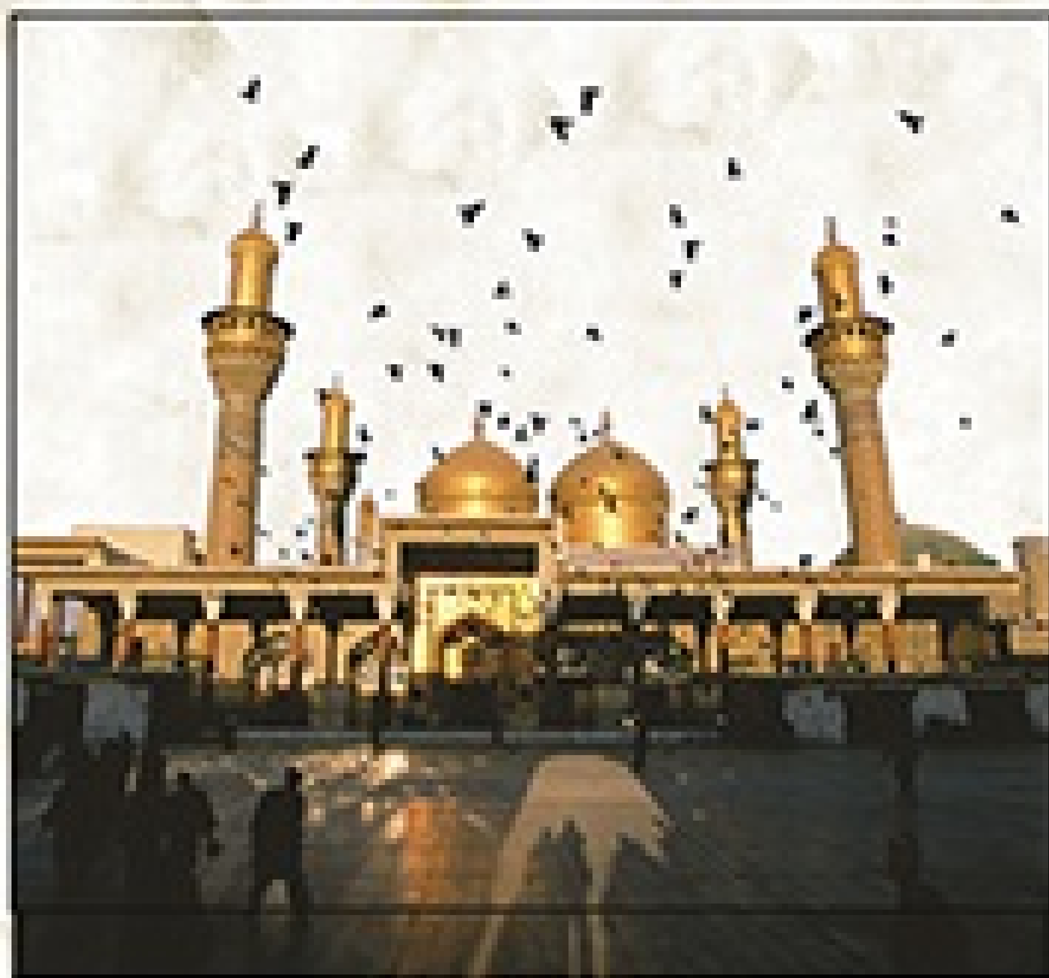
شیوه های دعوت به نماز

با نگاهی به ریشه های نظری

تالیف: سید جواد بهشتی



بسم الله الرحمن الرحیم

شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری

نویسنده:

جواد بهشتی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهشتی، سیدجواد، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور : شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری/ سیدجواد بهشتی.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۳۰ ص.

شابک : ۳۲۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۷۴-۷ ؛ ۳۲۰۰۰ ریـال (چـاپ اول) ؛ ۳۲۰۰۰ ریـال(چاپ سوم) ؛ ۳۲۰۰۰ ریال(چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۲.

یادداشت : چاپ چهارم : بهار ۱۳۹۳.

موضوع : نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ب۹۱۶ش۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۴۹۰۰۷

ص:۱

اشاره

شیوه های دعوت به نماز

با نگاهی به ریشه های فطری

سیدجواد بهشتی

ص:۳

سرشناسه: بهشتی، سیدجواد، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: شیوه های دعوت به نماز با نگاهی به ریشه های فطری، سیدجواد بهشتی

مشخصات نشر: تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص.

شابک: ۷-۰۷۴-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸ قیمت : ۳۲۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: نماز

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹ش ۹۱۶ ب / BP۱۸۶

رده بندی دیویی: ۳۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۴۹۰۰۷

نام کتاب: شیوه های دعوت به نماز

نویسنده: سیدجواد بهشتی

ناشر: مؤسسه فرهنگی – انتشاراتی ستاد اقامه نماز

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: پنجم، بهار ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: نگارش امروز

قیمت: ۳۲۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱- تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز – تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹- ۸۸۸۹۶۶۶۶

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شابک: ۷ -۰۷۴- ۵۳۷-۹۶۴- ۹۷۸

ص:۴

خلاء شیوه های دعوت

نزدیک ده سال که از تاسیس ستاد اقامه نماز گذشت، روزی خدمت استاد عزیزم جناب آقای قرائتی رسیدم و عرض کردم: خدا را شکر در این ده سال کارهای خوبی انجام شده است. یکی از دستاوردهای این دهه، انتشار حدود ۳۰۰ عنوان کتاب دربارهٔ نماز است. از آن جایی که من عشق وافر به این موضوع داشته ام تقریباً موفق شده ام که تمام این کتاب ها را بخوانم. جمع بندی من از مطالعه این سیصد کتاب این است که تمام این کتاب ها دربارهٔ اهمیت، فلسفه، آثار، اسرار، اشعار، داستان ها، آیات و احادیث و احکام نماز است. اما جای یک موضوع مهم خالی است ایشان فرمودند: کدام موضوع گفتم شیوه های دعوت به نماز. از ایشان پرسیدم به نظر شما در این روزگار پر غوغا با وجود این همه رسانه و ماهواره و شبکه های مجازی و محیط های فرهنگی و جاذبه های گوناگون چگونه ما مخاطبان را با این گوهر آشنا کنیم و با این موضوع پیوند بزنیم؟ ایشان فرمودند: من الآن فرصت ندارم و سراغ

موضوع زکـات رفته ام که آن هم موضوع بسـیار مهمّ و به زمین مانـده است. بعـد به من فرمودنـد: این کـار را خودت پیگیری کن.

من هم به مـدد الهی کار را شـروع کردم، ابتدا یک دور آیات قرآن در موضوع نماز را مرور کردم چون دیدگاهم این بود که قرآن علاوه بر محتوی، روش هم هست بایـد کشف کنیم خـدای حکیم بـا چه روش هـایی بنـدگانش را به این فریضه دعوت فرموده است. سـپس رفتم به سـراغ سـیره پیامبر عزیز اسـلام و ائمه معصومین(علیهم الصلاه و السلام). و در پایان به سراغ کتاب هـایی که توسط بزرگان و علماء نوشـته شـده رفتم. در حین مطالعاتم رسـیدم به یکی از کتاب های حضـرت امام خمینی به نام پرواز در ملکوت. جمله ای در این کتـاب مرا جـذب خود کرد که صـدها سـاعت براساس این جمله فکر و مطالعه کردم و این کتاب بخشی از نتایج آن روزهاست.

جمله امـام این بود: مؤثرترین روش در دعوت به نمـاز پرورش ریشه هـای فطری نمـاز است. خوب سرفصـلی برای تحقیق پیـدا کرده بودم و آن پرورش ریشه های فطری نماز بود. سپس کار را در چند مرحله انجام دادم:

مرحله اول: کشف ریشه های فطری نماز

مرحله دوم: باز شناسی این ریشه ها

مرحله سوم: ارائه راه کارهایی برای پرورش آن ها

مرحله چهارم: پیاده کردن و آزمایش کردن آن ها

قبل از شروع لازم است امتیازات این شیوه را عرض کنم:

الف- بین المللی بودن

امتیاز اول این شیوه این است که زبانی بین المللی و قابل فهم برای همه مردم جهان را دارد؛ زبانی که ما امروز به شدت نیازمند آن هستیم. اکنون که در جهان دیوارها برچیده شده و مردم دنیا به راحتی می توانند با هم تماس بگیرند، پرس وجو کنند، گفت وگو کنند و از آیین و مرام و فکر و فرهنگ دینی و مذهب همدیگر سئوال کنند. در این روزگار دینداران باید مهارتی پیدا کنند که دین خود را با روشی بیان کنند که مردم دنیا با هر دین و آیینی بگویند بیان شما را فهمیدیم و فلسفه کار شما را پسندیدیم. نیازی نیست که بگویند دین شما را پذیرفتیم اما اگر بگویند ایده شما را فهمیدیم و پس از آن بگویند پسندیدیم، دو گام مهم را برداشته ایم. این شیوه چون مبتنی بر فطرت انسانی است، دارای چنین ظرفیتی است.

امروز جوان مسلمان وقتی با این سئوال روبه رو می شود که چرا نماز می خوانی؟ باید پاسخی داشته باشد. باید پاسخ او متناسب با فهم و درک جوانان همهٔ کشورها باشد. حرفی بزند که یک جوان امریکایی، روسی یا چینی غیرمسلمان را به فکر فرو برد و این ممکن نیست مگر با یک زبان مشترک که همان زبان فطرت است. این سرمایه ای که خداوند در نهاد تمام بندگانش گذاشته و انبیاء هم برای شکوفایی همین سرمایه آمده اند.

از آسیب هایی که امروزه ما به آن مبتلا هستیم، عدم تسلط جوانان به پاسخ گویی به پرسش ها و شبهاتی است که به راحتی از مرزها

ص:۹

می گذرد و وارد ذهن، حافظه و محیط های فرهنگی و مذهبی ما می شود ما باید به پاسخ های قانع کننده، آرام کنندهٔ منطقی، قابل پسند مجهز شویم، و باید ذهن مخاطب خود را از شهر و دیار خود وسیع تر کرده و جهانی فکر کنیم چرا که واقع قصه این است که وسایلی که در دهه های گذشته در اختیار جامعه بشری قرار گرفته، چنین سفره ای را پهن کرده که هم خداپرستان می توانند، فرصت را غنیمت شمرده و بذر یکتاپرستی را در دل های عالمیان بپاشند و هم قهراً هواداران شیطان از این فرصت برای انحراف و گمراهی جمعیتی حداکثری برنامه ریزی می کنند. بهترین، ارزان ترین و موثر ترین سرمایه ما برای ورود به این میدان، بهره برداری از سرمایه فطرت است و برنامه ریزی برای زدودن گرد و غبار از فطرت خدادادی و شکوفایی فطرت توحیدی است. آری این امتیاز بزرگ این طرح است.

ب- تأثیر عمیق

امتیاز دوم این شیوه تأثیر عمیق آن است. روش های افزایش دانش در تقویت انگیزه تاثیر کمی دارند و در سطح حرکت می کنند، اما شیوه فطری چون در عمق جان انسان جای دارد، خیلی زود به عشق کشیده می شود و امکان ریزش آن کم است. ما در روزگاری زندگی می کنیم که نیازمند خودمدیریتی افراد هستیم. بچه های ما خیلی زود از دامن خانواده به دامن رسانه و تکنولوژی کشیده

می شونـد و پس از مرحله اول تحصـیل از شـهر و کاشانه خود مهاجرت کرده و به شـهر و کشوری دیگر منتقل می شونـد باید مشعلی در درون آن ها روشن شود که به صورت خداجوش و بدون عاملی از بیرون رابطه آن ها را با خالق گرم نگه دارد. در خلوت هـای آن ها مونس آن ها شود و احساس کننـد این رابطه به کار او می آیـد. هم در این دنیا و هم در دنیای بزرگ تر و واقعی تری که در پیش دارد هم در زنـدگی مادی و هم در رشد معنوی او به کار می آید. نباید احساس کند حرکتی اجباری، اکراهی و دسـتوری است. خودش بایـد شـیرینی نماز و بندگی را بچشد تا در تنهایی نیازی به عامل محرک بیرونی نباشد و در محیطی آرام اقـدام به اقـامه نمـاز کنـد و بـا افتخـار به این کار همت بگمارد. بنابراین امتیاز دوم این شـیوه، نفوذ عمیق در جان انسان هاست.

خاطره

در یکی از سـفرهای اسـتانی یکی از دوسـتان فرهنگی از من پرسـید: اسـتاندارد نمازی که از ما خواسـته شـده جماعت است یا فرادی؟ من در پاسـخ گفتم: مـاموریت مـا دعوت به نمـاز جماعت و تبلیغ برای نماز جماعت، است اما تست کار ما نماز فرادی است. شـلوغی دانش آموزان در نمازخانه مدارس نشانهٔ موفقیت ما نیست، بلکه علاقه دانش آموز به نماز در فصل تابستان و یا پس از فارغ التحصیلی و در سفر، نشانهٔ موفقیت ماست.

ص:۱۱

سال ها قبل بحثی را تهیه کردم تحت عنوان دیدنی های اهل آسمان. به احادیثی دست پیدا کردم که مضمون آن ها این بود که صحنه هایی در زمین پیش می آید که خداوند فرشتگان را فرا می خواند و می فرماید: «یا مَلائکَتی انْظُروا»، ای فرشتگان بیایید تماشا! این احادیث قدسی را گردآوری کردم، یکی از آن ها این حدیث است که خداوند می فرماید: وقتی جوانی در تنهایی به برای اقامه نماز وضو می گیرد، اذان می گوید و به نماز می ایستد خداوند می فرماید: ای فرشتگان بیایید تماشا! این بنده من این جوان می توانست به سوی هوس خود، لذت خود و گناه برود اما او مرا انتخاب کرده گفت وگوی با من را برگزیده، ببینید چه قدر تماشایی است. آری، ما اگر بتوانیم در آفرینش این اثر هنری زیبا که برای آسمانیان زیباست، نقش داشته باشیم کار بزرگی کرده ایم.

نمازی که از درون می جوشد آگاهانه، عارفانه، عاشقانه، خاضعانه و با حضور قلب شیوه پرورش ریشه های فطری چنین نقطه ای را هدف گرفته است. نمازی واقعی و بالا برنده.

در این نوشته ما از ریشه های فطری نماز به احساسات مذهبی تعبیر می کنیم و در حد توان به بیان چهار احساس مذهبی و یا ریشه های فطری نماز خواهیم پرداخت.

ص:۱۲

۱.احساس سپاس گزاری

اشاره

بر اساس آیات قرآن و احادیث یکی از ریشه های عبادت و نماز سپاس گزاری از خداوند است. قرآن کریم در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره بقره می فرماید: «یا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ» ای مردم عبادت کنید پروردگارتان را.

سئوال مطرح می شود چرا عبادت؟ پاسخ می دهد «الَّذی خَلَقَکُمْ» چون شما را آفریده «وَالَّذینَ منْ قَبْلکُمْ» پدر و مادر شما را آفریده به شکرانه این نعمت او را بپرستید، «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (۲۱بقره)» باشد که پرهیزکار شوید. «الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فراشاً» خدایی که زمین را برایتان چون فرشی بگسترد «وَ السَّماءَ بناءً» وآسمان را چون بنایی بیافراشت «وَ أَنْزَلَ منَ السَّماء ماءً» و از آسمان آبی فرستاد «فَأَخْرَجَ به منَ الثَّمرات رزْقاً لَکُمْ» و بدان آب برای روزی شما از زمین هر گونه ای برویاند «فَلا تَجْعَلُوا للَّه أَنْداداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲بقره)» و خود می دانید که نباید برای خدا همتایانی قرار دهید.

ص:۱۳

می بینید که مخاطبش مردم هستند. نه مسلمانان (یا ایُّهَا النّاس) مردمی هستند که فطرت سپاس گزاری دارند. قرآن به تمام مردم می گوید: ریشه عبادت سپاس گزاری از خداست خدایی که نعمت ها و هدایای او را در تمام زندگی خود هر روز و شب حس می کنیم. پدر و مادر، زمین، آسمان، باد و باران و...

احساس سپاس گزاری چیست؟

هم چون طبیبی که نیاز می بیند گاهی برای سلامت فرد قسمتی از کبد، پوست یا دستگاه گوارش او را نمونه برداری کرده به آزمایشگاه ببرد و زیر ذره بین گذاشته و اجزاء آن را دقیق مطالعه کند تا برنامه ای برای سلامت فرد پیشنهاد کند، ما هم می خواهیم این احساس مذهبی یا ریشهٔ فطری را به آزمایشگاه برده و اجزاء و لا-یه های آن را مورد بررسی قرار داده، برای شکوفایی این احساس راهکار ارائه دهیم.

شما هم با ما همراه شوید، می خواهیم به تماشای یک احساس برویم. این گونه طرح مسئله می کنیم.

وقتی ما انسان ها مورد لطف قرار می گیریم و از کسی هدیه ای می گیریم، این پیام ها را دریافت می کنیم:

۱. احساس می کنم هدیه دهنده مرا دوست دارد.

۲. احساس می کنم هدیه دهنده دوست دارد که از هدیهٔ او خوب استفاده کنم.

ص:۱۴

۳. خود را موظف می بینم در برابر او عکس العملی نشان دهم، از این رو تشکر خود را با کلمات یا با حرکات نشان می دهم.

۴. احساس می کنم که بین ارزش هدیه و نوع تشکر رابطه ای است.

۵. احساس می کنم که تشکر خوب من، زمینه ساز هدایای دیگر است.

۶. احساس می کنم که نوع تشکر من باید موردپسند هدیه دهنده باشد.

مروری دیگر:

اول این که: همهٔ انسان ها وقتی موردلطف قرار می گیرند، حالتی خوشایند دارند و احساس می کنند که محبوب هستند و محترم، هرچه هدایا بیش تر احساس مهر بیش تر می کنند.

دوم این که: احساس می کنم که هدیه دهنده دوست دارد من از هدیهٔ او استفاده کنم و خوب استفاده کنم. اگر عطری داده خود را خوش بو کنم. اگر خودنویسی داده با آن بنویسم. اگر دوربین لطف کرده با سلیقه عکس بگیرم و عکس ها را در آلبومی در کنار هم بچینم. اگر ضبط صوتی داده، با آن صداهای خوب و سخنان خوب ضبط کنم. وقتی هدیه دهنده می بیند هدیه او بیکار در کناری افتاده و یا حیف و میل شده رنجیده خاطر می شود؛ وقتی می بیند به جای این که با دوربین او از مناظر زیبا عکس بگیرم، از آشغال ها عکس گرفته ام و به جای این که صداهای زیبا و سخنان زیبا را ضبط کنم

ص:۱۵

صداها و سخنان ناخوشایند را ضبط کرده ام. لطف خودرا از این به بعد از من دریغ می دارد، گویا مرا لایق این هدیه نمی داند.

وقتی شما وارد خانهٔ دوستی می شوید که چند ماه قبل برایش سماوری را کادو برده اید مشاهده می کنید که سماور روشن است و قل قل می کند به شوق می آیید. در حدیث می خوانیم وقتی خداوند نعمتی را به بنده اش می دهد، دوست دارد اثر آن را ببیند که بنده اش از آن نعمت در راهی درست استفاده می کند.

سوم این که: احساس می کنم باید در برابر هدیه دهنده عکس العملی نشان دهم خواه با کلمات یا با حرکات حرفی بزنم کلمه ای بگویم؛ قبلاً می گویم: خیلی ممنون، متشکرم، قربان شما و... یا دستی تکان دهم، یا دستم را در مقابل او به سینه بگذارم یا به رسم تشکر، شبیه نظامی ها دستم را تا نزدیک گوش ببرم. این احساسات در فرهنگ تمام ملت ها هست. حتی اگر به جنگل های آمازون سفر کنیم و آداب و رسوم انسان های هزاره های قبل را ببینیم، این احساسات را به راحتی مشاهده می کنیم، منتهی به اشکال مختلف. انسان ها با هر دین و مرام در مقابل لطف عکس العمل نشان می دهند. کلمه ای می گویند یا با حرکتی احساس خود را نشان می دهند و اگر کسی هدایایی را دریافت کند و هیچ عکس العملی نشان ندهد، همه او را سرزنش می کنند و در حق او می گویند: ای ناسپاس، ای نمک نشناس، ای بی احساس و...

ص:۱۶

چهارم این که: احساس می کنم که بین ارزش هدیه و نوع تشکر رابطه ای معنادار وجود دارد. همه جا یک جور عکس العمل نشان نمی دهم، بلکه به نسبت ارزش هدیه یا موقعیتی که در آن قرار گرفته ام یا شخص هدیه دهنده فرق می گذارم و در هرجا به گونه ای تشکر می کنم.

اگر یکی از دوستان خودکاری را هدیه داد، شاید یک کلمه را کافی بدانم، مثلاً بگویم متشکرم. اما اگر خودنویسی اعلاء بود چند کلمه می گویم، اگر سکه ای طلا- یا اتومبیل بود به دنبال کلمات تازه و بیش تر می گردم، شاید با شعری یا متنی ادبی احساس خود را بیان کنم. اگر هدیه او خانه ای مورد نیاز من یا شغلی متناسب با من بود خود را مدیون می دانم و بارها و بارها با ادای احترام از او تشکر می کنم و یکی دوبار تشکر را ناکافی می دانم.

گاهی هدیه از این حرف ها بالاتر است کسی است؛ که کلیه اش را به من هدیه داده و یا جراحی که جان مرا به من برگردانده و یا کسی که با اهدای عضوی سلامتی مرا باز گردانده، در این گونه موارد عکس العمل من به طور کلی فرق می کند شاید هزاران بار تشکر را ناکافی می دانم، حتی لازم نمی دانم که او حضور داشته باشد، در عالم تنهایی و خلوت خود از او به خوبی یاد می کنم؛ با خودم زمزمه می کنم و با کلماتی از لطف او تشکر می کنم.

او بود که به من کلیه داد بدون این که از من توقعی داشته باشد، بدون این که بر من منتی بگذارد؛ فقط چون مرا دوست داشته در

حق من این لطف را کرده نمی دانم با چه زبانی از او تشکر کنم. چند بار تشکر کنم، اگر فرزند من در حال غرق شدن بود و کسی او را نجات داد، در برابر این لطف چند بار تشکر کنم کافی است؟

پنجم این که: احساس می کنم که تشکر خوب من زمینه ساز هدایای دیگر است. وقتی خوب تشکر می کنم در حقیقت می خواهم بگویم من ادب دارم، من لایق هستم؛ این احساس در همه فطرت ها نهفته است و نیازی به آموزش ندارد قرآن هم بر این امر صحه می گذارد و می فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» اگر سپاس گزاری کنید بر شما می افزائیم، شکر نعمت نعمتت افزون کند.

قصه

امام صادق(ع) در سرزمین منی مراسم حج را به جای آورده و خسته وارد خیمه ای شدند، سبد انگوری جلوی حضرت بود تا میل کنند، سائلی وارد شد و کمک خواست امام خوشهٔ انگوری به او هدیه کرد اما او با بی ادبی گفت: انگور نمی خواهم پول بدهید. امام ناراحت شده و فرمود: خدا خیرت بدهد و سائل دست خالی برگشت. امام خواست انگور میل کند که فقیر دیگری وارد شد و کمک خواست، امام چند دانه انگور به او داد او هم گرفت و گفت: «الحمدلله رب العالمین» امام به شوق آمد و یک دو مشتی انگور به او داد مرد فقیر انگورها را گرفت و گفت: «الحمدلله رب العالمین» امام تمام سبد انگور را به او داد، او هم گرفت و گفت: «الحمدلله رب

ص:۱۸

العـالمین». امـام رفت و مبلغی پول آورد و به او داد او هم پول هـا را گرفت و گفت: «الحمـدلله رب العـالمین». امـام لباس های خود را به او داد او هم گرفت و گفت: «الحمدلله رب العالمین». (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۴۳)

در حدیث می خوانیم: نعمت ها کلید و قفلی دارند، کلید آن ها تشـکر و قفل آن ها ناسپاسی است. تشکر برکت آفرین است، چه تشکر از مردم و چه تشکر از خداوند. هرچه روحیه تشکر در اجتماع قوت بگیرد همدلی، امیدواری و رضایت مندی از کار بیش تر می شود.

خاطره

برای شـرکت در همایش نماز به تبریز رفتم، وارد سالنی شدم که حدود ۸۰۰ دختر دبیرستانی حضور داشتند. تا خواستم سخنم را شـروع کنم بچه ها فریاد زدنـد: سـخنرانی نه. پاسـخ به سـئوالات. من هم گفتم من سواد چندانی ندارم، سـئوال کنید اگر بلد بودم پاسـخ می دهم. فضا آماده شـد برای پرسـش و پاسـخ. بچه ها می پرسـیدند و من هم در حد توانم پاسخ می گفتم؛ نوبت رسـید به دختری که از آخر سـالن درحـالی که حرکت می کرد بـا صـدایی مردانه و حـالتی طلب کارانه سـئوال خود را مطرح کرد، سئوال او این بود که حاج آقا خداوند چه نیازی به نماز ما دارد؟

من گفتم: جـوابت را می خواهم از قول حضـرت فـاطمه زهرا(س) بـدهم. حضـرت فـاطمه خطبه ای دارنـد که مشـهور است به خطبه

فدک. فرازهای اول خطبه دربارهٔ موضوع سپاس گزاری است حضرت می فرماید: سپاس خدایی که بیشمار نعمت در اختیار ما قرار داد و برای افزایش نعمت ها کلیدی به نام تشکر به دست ما داد.

از دختر دانش آموز پرسیدم، قبول داری خدا دوستت دارد؟

گفت: آری چون مرا آفریده و امکاناتی در اختیار من قرار داده و نعمت هایی به من ارزانی داشته است.گفتم: از این به بعد هم این نعمت ها را می خواهی؟ آینده روشن، موفقیت چشم گیر و مصونیت از حوادث؛ گفت: آری روشن است. گفتم: تشکر ما به معنای نیاز خداوند نیست، بلکه به معنای این است که خدایا من ادب دارم، من لایق نعمت های تو هستم نعمت هایت را از من دریغ مدار.

قرآن کریم می فرماید: اگر شکر کنید، فایده اش بخودتان برمی گردد.

ششم این که: احساس می کنم نوع تشکر من باید موردپسند هدیه دهنده باشد. ما در آداب و رفتارهای اجتماعی که با هم دیگر داریم، بین افراد را فرق می گذاریم، با بعضی خیلی صمیمی و نزدیک هستیم و از ادبیاتی خاص استفاده می کنیم و با مدیر و رئیس و مسئول به گونه ای دیگر و با علماء و مراجع نیز به صورتی دیگر. در برابر هر کسی هر کلمه ای را به کار نمی بریم و هر حرکتی را انجام نمی دهیم، بلکه متناسب با شخصیت او، واژه انتخاب می کنیم و کلمه ای که او بپسندد را به کار می بریم. اگر می خواهم به رسم ادب چیزی پیش کش کنم، حتماً متناسب با جایگاه او انتخاب می کنم. بسیاری می پرسند: چرا نماز را به زبان عربی می خوانیم؟

ص:۲۰

چرا نماز را در این وقت ها می خوانیم؟ چرا نماز را به این شکل می خوانیم؟ پاسخ تمام این سئوالات در همین نکته نهفته است: چون او این گونه می پسندد.

شمارش نعمت ها و نمایش نعمت ها

پرورش یک گیاه نیاز به دانش و تجربه دارد چه طور ممکن است پرورش یک احساس در انسان بدون دانش و تجربه صورت گیرد؛ انسان پیچیده ترین و والاترین مخلوق خداست؛ پس باید راه های پرورش احساسات او را پیدا کرد تا به نتیجه رسید. خداوند به حضرت موسی پیام داد که ای موسی: مردم را عاشق من کن، موسی کلیم الله عرض کرد خدایا چگونه؟ خداوند فرمود: نعمت هایم را بشمار، بندگانم عاشق می شوند. (بحارالانوار، ج۲، ص ۴)

شمارش نعمت های خداوند، احساس سپاس گزاری را در انسان ها تقویت می کند و مهر خدا را در دل ها تحکیم می بخشد و به تبع آن روحیه سرکشی و سرمستی را سرکوب و روحیه اطاعت پذیری و افتادگی در پیش گاه خدا را ایجاد می کند.

نعمت های خداوند مهربان آن قدر زیاد است که از شمارش بیرون است. قرآن می فرماید: «وَ إنْ تَعُدُّوا نعْمَةَ اللَّه لا تُحْصُوها» و اگر بخواهید بشمارید نعمت های خداوند را نمی توانید بشمارید. اما بسیاری از انسان ها علیرغم دریافت این همه نعمت، ناسپاسی

می کنند «إِنَّ الْاِنْسانَ لَظَلُومٌ کَفّار» همانا انسان بسیار ستم پیشه و بسیار ناسپاس است.

ما می توانیم با شمارش نعمت ها این انسان ستم پیشه ناسپاس را به انسان عادل شکور و محبوب خدا تبدیل کنیم. شیوه روشن است، نعمت های خدای مهربان را بشماریم. برای نعمت شماری، باید برای هر سنی نعمت های متناسب با آن سن را برشمرد، نعمت هایی که او با آن ها سروکار دارد و از آن ها لذت می برد و اگر از دست برود زندگی او سخت می شود.

در قرآن کریم نام بیش از هزار نعمت آمده. نعمت های مادی، نعمت های معنوی، نعمت های جسمی، نعمت های روحی، نعمت های فردی، نعمت های اجتماعی، نعمت های دنیایی و نعمت های آخرتی.

بیایید امتحان کنید، مدتی فکر و اندیشه خود را با نعمت های خدای مهربان مانوس کنید رابطه و رفاقت با خداوند برقرار می شود. پیام شمارش نعمت ها و فراوانی نعمت ها، احساس رحمت بیکران الهی است. انسان احساس می کند خداوند چه قدر او را دوست دارد، چرا این قدر هدیه برای او فرستاده است؛ خداوند بزرگ می فرماید: بندگان من، همه هستی را برای شما آفریدم «خَلَقَ لَکُمْ ما فی الْأَرْض جَمیعا(بقره، آیه۲۹)».

همه موجودات را برای بهره برداری شما و در خدمت شما قرار دادم.

ص:۲۲

اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّمَ‍اوَات وَالأَرْضَ وَأَنْزَلَ منَ السَّمَ‍اء مَ‍اءً فَأَخْرَجَ به منَ الثَّمَرَات رزْقًا لَكَمْ وَسَ‍خَّرَ لَكَمُ الْفُلْكَ لتَجْریَ فی الْبَحْر بأَمْره وَسَ‍خَّرَ لَكُمُ الأَنْهَارَ، وَسَ‍خَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائبَیْن وَسَ‍خَّرَ لَكُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ (ابراهیم، آیات ۳۲ و ۳۳) خداوند همان کسی است که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه ها را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را مسخر شما نمود و خورشید و ماه را به تسخیر شما در آورد و شب و روز را مسخر شما ساخت.

اگر کسی چراغ قوه ای به شما هدیه دهد، چه عکس العملی نشان می دهید؟ نوبت بعد چراغ اتوماتیکی که نور و حرارت دهد، ارزانی دارد چه می کنید؟ نوبت سوم موتور برقی در اختیار شما قرار دهد، چه احساسی دارید؟ خداوند این خورشید و ماه، شب و روز، باد و باران، صحرا و... برای رفاه و خوشبختی ما فرستاده، بیاییم با شمارش این هدایا احساس خود را نشان دهیم و با هم فریاد بزنیم الحمدلله الحمدلله الحمدلله. پیامبر عزیز اسلام و امیرمومنان حتی در راه که می رفتند و به یاد نعمتی می افتادند، الحمدلله می گفتند و یا از مرکب پیاده می شدند و سجده شکر می کردند. آری یکی از ریشه های نماز این احساس است؛ این جا ایستگاهی است که باید درنگ کنیم انرژی بگیریم و حرکت کنیم وقتی به کثرت نعمت های خداوند فکر می کنیم، بیش تر احساس کوچکی و بندگی به ما دست

ص:۲۳

می دهد. اولیای خدا خود را عاجز از شکر خدا می دانستند. پیامبر بزرگ اسلام نشسته بود گریه می کرد، جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای رسول رحمت، چرا این گونه اشک می ریزی فرمود: از بس نعمت های مولایم زیاد است، نمی توانم تشکر کنم. جبرئیل عرض کرد، خدایت می فرماید: من همین احساس را می خواهم، احساس بندگی، احساس کوچکی، احساس عجز. به قول سعدی:

بنده همان بد که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سـزاوار خـداوندیـش کـس نـتواند کـه بـه جـا آورد

آغاز گلستان سعدی فرازی است که با الهام از حدیث امام صادق(ع) به قلم آمده است. امام صادق(ع) فرمود: «فی کُلِّ نَفَسٍ مِنْ أَنْفَاسِکَ شُکْرٌ لَازِمٌ لَکَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَکْثَر (بحارالانوار، ج، ۶۸ ص،۵۲)» در هر نفسی از نفس هایت نه تنها یک شکر، بلکه هزار شکر نهفته است. سعدی از این هزار شکر به دو شکر بسنده کرده است و می گوید: هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. حتی اگر از سعدی هم پیروی کنیم، در یک شبانه روز برای نفس ها باید حدود ۴۰۰۰۰ بار تشکر کنیم، فقط برای نفس ها، این گوهر گرانب هایی که اگر یکی از آن ها قطع شود هستی ما به مخاطره می افتد؛ آیا ما بندگان شاکر و سپاس گزاری هستیم؟ رسول خدا زیاد عبادت می کرد و خودرا به مشقت می انداخت.

اصحاب می گفتند: چرا این قدر خودتان را به رنج می اندازید، می فرمود: «افَلا اَکُون عَبْداً شَکورا» آیا بنده سپاس گزار نباشم؟

بیاییم همدیگر را به شمارش نعمت های خداوند تشویق کنیم. وقتی قرآن تلاوت می کنیم و به نام نعمت ها می رسیم درنگ کنیم؛ شکر کنیم و نام نعمت ها را در دفتری بنویسیم و گهگاه مرور کنیم.

خاطره

تابستانی در یکی از مساجد شرق تهران مسابقه ای اعلام شد تحت عنوان نعمت شماری. برگزارکنندگان این مسابقه توانستند با این ابتکار بیش از ۲۰۰۰۰۰ دانش آموز و دانشجو را در ایام فراغت تابستان به نعمت های خداوند مشغول کنند. عصرها وقتی از محل کار به خانه می آمدم جمعی از جوانان را می دیدم که بر سر راه من ایستاده و منتظر دیدار با من هستند. پس از سلام و علیک، یکی از بچه ها جلو آمده می گوید: حاج آقا من ۷۰۰ نعمت پیدا کرده ام صد تا هم شما بگو، بلکه یک قدم به برنده شدن نزدیک شوم. به راستی که این مسجد چه محشری به پا کرد. گوشه ای از طرح پیشنهادی خداوند به حضرت موسی را پیاده کرد. درست است که ابتدا به عشق جایزه بچه ها شروع به این کار کردند، اما بسیاری از آن ها در حین کار به جهتی دیگر کشیده شدند و آن عشق به معبود بود. پیش خود می گفتند راستی خدا چه قدر ما را دوست دارد و راستی

چه قدر ما بندگان بی معرفت و بی احساس و ناسپاسیم. بیایید به پا خیزیم و رسم سپاسگزاری را به جای آوریم.

پژوهش قرآنی

بسیاری به دنبال پژوهش های قرآنی هستند تا با کار جمعی میوه های شیرین معرفتی از باغستان قرآن بچینند. یکی از پیشنهادات من این است: به صورت یک کار گروهی تحت نظارت معلمان و مربیان کاردان، نعمت های قرآن را به تفکیک سوره ها و به تفکیک موضوع نعمت گردآوری کنید و نمایشگاهی از نعمت های خداوند در دانشگاه، دبیرستان و یا مدرسه خود برگزار کنید.

برای نمونه، اگر دانش آموزان مدرسه شما ۲۴۰ نفر هستند هر دو نفر یک حزب قرآن را که پنج صفحه از قرآن می شود، سهم بردارد و با مطالعه ترجمه و مشورت، نعمت های آن پنج صفحه را استخراج و در صفحه ای با خط زیبا بنویسید و داوران با داوری این پژوهش شیرین را رتبه بندی کنند و در مرحله بعد در به نمایش آوردن آن ها سلیقه به خرج داده نمایشگاهی زیبا و هنرمندانه از نام نعمت هایی که در قرآن ذکر شده را به تماشا بگذارید؛ حتی می توانید نام این هزار نعمت را در دفترهای کوچک خود بنویسید و گهگاهی لیست نعمت های خدا را بخوانید و سبک سنگین کنید. به نظر شما کدام مهم تر است قرآن می فرماید: اگر می خواهید قدر

نعمتی را بدانید، فرض کنید اگر آن نعمت نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به این آیات توجه کنید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إلَی يَوْم الْقيَامَه مَنْ إلَهٌ غَيْرُ اللَّه يَأْتيكُمْ بضيَاءٍ أَفَلا تَسْمَعُونَ (قصص، آیه ۷۱) (ای رسول) بگو به من خبر دهید اگر خداوند تمام اوقات را تا قیامت شب بگرداند و هیچ روز روشنی نباشد، کیست جز خدا که برای شما روشنی آورد؟ آیا سخنان خداوند را نمی شنوید؟

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إلَی يَوْم الْقيَامَه مَنْ إلَهٌ غَيْرُ اللَّه يَأْتيكُمْ بلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فيه أَفَلا تُبْصرُونَ (قصص، آیه ۷۲) بگو اگر خداوند تمام اوقات را تا روز قیامت روز کند و تا قیامت هیچ شب نباشد تا به استراحت مشغول شدید، کیست غیر از خداوند برای شما شب را بیاورد تا استراحت کنید. آیا نمی بینید؟

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتيكُمْ بمَاءٍ مَعينٍ (ملک، آیه۳۰) بگو به من خبر دهید، اگر چشمه های آب شما به زمین فرو رود و از آن آثاری باقی نماند، چه کسی برای شما آب گوارا می آورد؟

نعمت شماری در دعای عرفه

سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که حماسه و عرفان را در هم آمیخت و الگوی خداپرستان شد در سرزمین عرفات نیایشی را زمزمه کرد که ارائه بندگی بی نظیر بود.

ص:۲۷

خداوند را شکر می کنیم که در کشور ما در سال های گذشته حال و هوای دعای عرفه جای جای جامعه را معطر کرده است و در دانشگاه ها، مساجد، مدارس و رسانه با امام حسین(ع) هم صدا شده، خدای یکتا را صدا می زنند.

یکی از فرازهای مهم این دعا، نعمت شماری است که جا دارد عاشقان آن حضرت با برنامه ریزی از یک ماه قبل، مسابقاتی را اعلان کنند و نصیب مردم را از دعای عرفه افزون کنند و براساس این دعا، مقاله بنویسید، نیایش نامه بنویسید و نعمت شماری کرده و سپاس گزاری کنند خدای منان را.

حیف است فرازهایی از این دعا زینت بخش این کتاب نشود با دقت و عشق بارها و بارها بخوانید.

بارالها، از نعمت های بی چون تو بود که خلقت هستی پس از نیستی به من عطا فرمودی. مرا از خاک آفریدی و سپس در منزل گاه صلب پدرانم قرار دادی. مراحل نخستین وجودم در عرصه طبیعت در امن و امان از حوادثی که مانع از ادامه وجودم بود، در مجرای تحولات روزگاران و گذشت سالیان سپری می گشت، همچنان این حرکت وجودی از اصلاب پدران به ارحام مادران با پیش رفت ایام گذشته و قرون و اعصار از بین رفته ادامه پیدا کرد (تا چشم به دنیا گشودم).

مهربان خداوندا، در اعطای نعمت وجود، با لطف و احسانی که به من فرمودی، آغاز زندگی ام را در این طبیعت در زمان ظلمانی

دولت حکمرانان کفر که پیمان تو را شکسته و رسولان تو را تکذیب کردند، قرار ندادی.

بلکه مرا در زمانی وارد زندگی در این دنیا نمودی تا توفیق آن هدایت را دریابم که در مشیّت سابقه، تو برای من مقرر و مرا برای رسیدن به آن آماده فرمودی ودر دوران نورانی اسلام پرورشم دادی.

پاک پروردگارا! پیش از آن که چشم به این دنیا باز کنم، مرا به وسیله صنع زیبا و نعمت های فراوانت موردمحبت قرار دادی، ابتدای آفرینشم را در مجرای طبیعت از قطرات منی ابداع فرمودی و در نهان گاه سه گانه گوشت و خون و پوست جنینی (برای مدتی محدود) ساکنم نمودی.

خداوندا، مرا به خلقتم گواه نگرفتی و در قراردادن در نظم سلسله وجودم اختیاری به من ندادی.

سپس ای آفریننده مهربان من، مرا از نهان خانه رحم مادر در جریان مشیّت سابقه از هدایت به این دنیا آوردی با آفرینشی کامل و زیبا. آن گاه در گهواره با حفظ و حراست تو، دوران کودکی را سپری نمودم و از شیر گوارای مادرم غذا عنایتم کردی و از عواطف دل های پرستاران و دایه ها بهره ورم ساختی. مادران مهربان را برای کفالتم وادار نمودی و ا ز آسیب اجنّه و شیاطین محفوظم داشتی، و از هرگونه زیادی و نقص مصونم فرمودی.

رحمان و رحیما، در هر حال بلندترین مقام وجود آن توست.

تا آن گاه که زبان برای سخن گفتن آغاز کردم.

ای فیاض مطلق، نعمت ها و الطاف تو همچنان ادامه داشت تا خلقت اصلی ام تکمیل و نیروهای جسم و جانم اعتدال خود را یافت. از این هنگام بود که برای انتخاب راه زندگی با دلایل و حجت روشن گر، الزامم فرمودی تا در کج راهه های هوی و هوس و نادانی های ظلمانی سردرگم نگردم و معرفت خود را به من الهام نمودی و با مشاهده حکمت های خویش مرا شگفت زده و مدهوشم فرمودی، و به احساس مخلوقات باعظمتی که در آسمان و زمین به وجود آوردی وادارم ساختی. با این آمادگی ها و توانایی ها که عقل از درکش عاجز و زبان از بیانش قاصر است به لزوم سپاس و ذکر مقام اقدست آگاهم فرمودی.

سپس ای یگانه خالق من، کفایت بر آن نفرمودی که مرا از بهترین خاک آفریدی، بلکه در طول هستی من، نعمت ها انعامم فرمودی و با منّت بزرگ و بزرگ ترت و با احسان اعظم و قدیمت با بی نیازی مطلق خود، فوق سودجویی ها و معامله گری های نیازمندانه از معیشت گونه گونه و اصناف و وسایل و ابزار زندگی در روی زمین برخوردارم ساختی، تا آن گاه که همه نعمت ها را برای من اتمام نموده و هرگونه ناگواری ها را از من برگردانیدی.

منزه پروردگارا، تویی به وجود آورنده کائنات و برگرداننده آن ها پس از برچیده شدن از عرصه هستی، ذات و صفاتت شایسته حمد و

ص:۳۰

ثنا و مجد و عظمتت فوق تصور ما، نام هایت مقدس و نعمت هایت بزرگ.

حال، بارالها کدامین نعمت هایت را به شمارش و بیان آورم یا به سپاس گویی این عطاهای تو برخیزم با این که آن نعمت ها و عطاها بیش از آن است که شمارندگان از عهده محاسبه آن برآیند و حافظان، توانایی علم به آن ها داشته باشند.

بارالها! وانگهی آن ضررها و زیان ها را که از من برگردانیدی، بیش از آن عافیت ها و نعمت هایی است که بر من عنایت فرمودی.

و ای خدای من، با حقیقت ایمانم گواهی می دهم و با عهد استوار و محکم و یقینی که دارم و با خلوص توحید صریحی که در دلم موجود است، و با اعماق پنهانی درونم و رشته های مجاری نور چشمم و خطوط نقش پیشانی ام و شکاف راه های تنفّسم و نرمه تیغه بینی ام و طُرُق امواج صداها به سماخ و استخوان گوشم و با آن چه که لب هایم آن را در هنگام روی هم نهاده شدن میان خود دارد و با حرکات لفظی زبانم و محل پیوست فک بالا و پایینم و رستنگاه دندان هایم و عامل چشیدن خوراکی ها و آشامیدنی هایم، با استخوان حافظ مغز سرم و لوله فرو دادن غذا و آشامیدنی، در درون حنجره گردنم، و با آن چه که در سینه ام در بر گرفته است، و حمایل بند رگ گردنم و آویزه پرده قلبم و با قطعه های اطراف جگرم و آن چه که خمیدگی دنده هایم در بر گرفته و گودی بندهای مفصل ها و قبض عوامل فعّال بدنم و بند انگشتان و گوشت و خون

و مو و پوست و اعصاب و نی و استخوان ها و مغز و رگ ها و همه اعضایم و با آن چه که در دوران شیرخوارگی در بدنم بافته شده است و با آن چه که زمین از من بر خود حمل کرده است و با خواب و بیداری و سکون و حرکات رکوع و سجده ام.

آری ای خدای مهربانم، اگر با این همه نعمت های آشکار و نهان تو بخواهم و بکوشم و در تمامی قرون و اعصار در آن ها زندگی نمایم و بخواهم که شکر یکی از نعمت هایت را به جای آورم، ناتوان خواهم بود.

خداوندا اگر بنده تو درصدد برآید شکر یکی از نعمت هایت را به جای آورد، باز به برکت احسان ربّانی توست که خود شکر جدیدی را ایجاب می کند.

آری، ای خدای بی چون، اگر من و همه شمارندگان بخواهیم نهایت نعمت های تو را در گذشته و حال و آینده ما بندگانت را در خود فرو برده شمارش کنیم، نه عدد آن را می توانیم و نه مدت آن را. هیهات چگونه می توانیم از عهده چنین کاری برآییم درصورتی که در کتاب گویای حقّت قرآن و خبر راستینت فرمودی: و ان تعدّوا نعمه الله لا تحصوها، راست گفته است کتاب تو.

ای خدای بزرگ و راست است خبری که داده ای و به پیامبران و رسولانت آن را ابلاغ نموده ای.(۱)

ص:۳۲

۱- ۱. ترجمه: از کتاب نیایش حسین(ع)، مرحوم علّامه محمدتقی جعفری.

شکر نعمت های ویژه

در بین هزاران نعمتی که خداوند به بندگانش ارزانی داشته بیش از ده نعمت است که با آهنگ خاص اُذْکُروا نعْمَتی در قرآن مطرح شده این نعمتم را یاد کنید و به طور ویژه بندگان خدا موظف شده اند آن ها را یاد کنند و هرگز فراموش نکنند.

نکته مهم این است که با نگاهی به این نعمت ها می بینیم که غالب آن ها یا نعمت های معنوی هستند یا نعمت های اجتماعی معنای آن این است که ما نسبت به نعمت های معنوی و اجتماعی باید قدردانی بیشتری داشته باشیم و زیاد دربارهٔ اهمیت و آثار آن ها گفت وگو کنیم، فکر کنیم و از کوتاهی های خود عذر خواهی کنیم اینک این شما و این نعمت های ویژه خدای رحمن:

۱- نعمت کتاب آسمانی

وَاذْکُرُوا نعْمَهَ اللَّه عَلَیْکُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَیْکُمْ منَ الْکتَاب وَالْحکْمَه یَعظُکُمْ به وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بکُلّ شَیْءٍ عَلیمٌ (بقره، آیه۲۳۱) و به یاد آرید نعمت خداوند را بر خود و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرد و شما را با آن پند می دهد و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به هر چیزی آگاه است.

بالاترین نعمتی که خداوند به بندگانش ارزانی داشته قرآن برنامه زندگی است که عامل سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت می شود که پیامبر اسلام به میراث گران بها و ثقل اکبر تعبیر فرمود

ص:۳۳

وظیفه مسلمانان یاد این نعمت و شکر این نعمت بزرگ است و بالاترین و بهترین شکر خواندن این کتاب، انس با این کتاب و عمل به فرامین و دستورات این کتاب است.

۲- نعمت نبوت و حکومت

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (مائده، آیه ۲۰) (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید هنگامی که قرار داد در میان شما پیامبرانی و گردنید شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نبخشیده بود.

۱- نعمت نجات از طاغوت

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ. (بقره، آیه ۴۹) (و به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید زمانی که شما را از (چنگال) فرعونیان رهایی بخشید. همان ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند؛ پسرانتان را سرمی بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند. در این جا آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.

خاطره ای از انقلاب اسلامی ایران

استاد عزیزم حاج آقا قرائتی می فرمودند: در ماه های اول پس از انقلاب به اهواز رفتم خدمت حضرت آیت الله شفیعی ایشان در دادگاه انقلاب تشریف داشتند از ایشان پرسیدم چه خبر؟ فرمودند تازه ترین خبر همین پرونده روی میز من است. گفتم اگر صلاح است آن را بفرمایید ایشان این گونه تعریف کردند:

پرونده مربوط به یکی از مستشاران آمریکایی است که در ماه های آخر حکومت پهلوی احساس خطر می کند و به شاه ایران اطلاع می دهد که تصمیم دارد ایران را ترک کند شاه ایران هم ابتدا عصبانی شده و برای دل داری او هدیه ای گران بها که گویا فرشی ابریشمی بوده به یکی از دست یارانش می دهد که به آبادان برو و در بدرقه او تقدیمش کن. مستشار آمریکایی به هنگام خداحافظی هدیه شاه را تحویل گرفته درمقابل جعبه ای به او می دهد که به شاه بدهد. پس از پرواز هواپیما در استانداری جلسه ای تشکیل می شود که آیا این جعبه را باز کنیم یا بازنکرده تقدیم شاه کنیم، تصمیم می گیرند جعبه را باز کنند. وقتی باز می کنند می بینند یک دستمال کاغذی است که این آمریکایی نجاست خود را در مستراح با آن پاک کرده است!!! ببینید ما مردمی بودیم که یک آمریکایی که سال ها خون این ملت را مکیده به خود اجازه می دهد به شخص اول مملکت این گونه توهین کند.

انقلاب شد چند صباحی گذشت در مهرماه ۵۹ شهید رجایی نخست وزیر ایران به سازمان ملل سفر کرد.

ص:۳۵

رئیس جمهور آمریکا از ایشان وقت ملاقات خواست و ایشان پاسخ دادند که باید از ملتم اجازه بگیرم. به نظر شما این نعمت چه قدر ارزش دارد، به جای ذلت سروری، به جای توسری خوری آقایی، آیا این نعمت، با نعمت ماه و خورشید قابل مقایسه است؟!

۱- نعمت استقلال و خودکفایی

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال، آیه۲۶) و به یاد آرید هنگامی را که شما گروهی کوچک و اندک و زبون بودید آن چنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد و از روزی های پاکیزه بهره مند ساخت شاید شکرگزار باشید.

۲- نعمت کثرت جمعیت

وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف، آیه ۸۶) به یاد آرید که شما بسیار کم بودید و خداوند شما را افزونی داد و بنگرید سرانجام مفسدان را.

۳- نعمت وحدت، برادری و صمیمت

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

(آل عمران، آیه ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و به یاد آرید نعمت خدا را بر خود که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید خدا شما را از آن نجات داد این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار ساخت شاید هدایت شوید.

۱- نعمت قطع کردن دست دشمن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّه عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّه فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (مائده، آیه ۱۱) ای کسانی که ایمان آوردید بیاد آرید نعمتی را که خداوند به شما بخشید آن زمان که جمعی (ازدشمنان) قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند اما خدا دست آن ها را از شما بازداشت پس از خدا پروا کنید و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

۲- نعمت فرستادن امدادهای غیبی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّه عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (احزاب، آیه ۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، بیاد آرید نعمت خدا را بر خود هنگامی که لشکرهایی(عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی برآنان فرستادیم و لشکریانی که آن ها را نمی دیدید و خداوند همیشه به آن چه انجام می دهید بیناست.

ص:۳۷

این آیه مربوط به جنگ احزاب است جنگی که همهٔ قوای ضد اسلام متفق شدند، مشرکان، یهود و منافقان، مسلمانان را در مدینه محاصره کردند؛ مسلمین نیز دور مدینه خندق کندند و با تکیه بر ایمان خود ایستادند و به مدد الهی و امدادهای غیبی سرنوشت جنگ به نفع مسلمین رقم خورد خداوند باد و طوفان را به کمک مسلمانان فرستاد و مشرکان شبانه منطقه را ترک کردند.

۹- پیمان مسلمانی

چندین بار مسلمانان با پیامبر اسلام بیعت کردند و پیمان بستند که به آیین مسلمانی وفادار بمانند و از فرامین الهی اطاعت کنند هم در مکه هم در مدینه آیه ۷ سوره مائده یادآوری این نعمت بزرگ را لازم می شمارد.

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّه عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِى وَاثَقَكُمْ به إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (بقره، آیه ۲۸۵) و به یاد آرید نعمت خدا را بر شما و پیمانی را که با تاکید از شما گرفت آن زمان که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم.

۱۰- نعمت رهبری

در چند جای قرآن نعمت رهبری کامل کننده و تمام کننده نعمت ها شمرده شده است از جمله در آیه ۳ سوره مائده که درباره رهبری امام علی(ع) و جانشینی آن حضرت است که به فرمان خداوند و توسط پیامبر بزرگ اسلام در روز غدیر خم در سال آخر عمر پیامبر صورت گرفت و پس از این معرفی آیه نازل شد:

اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکَمْ دینَکَمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکَمْ نعْمَتی وَرَضیتُ لَکَمُ الإِسْلامَ دینًا. (مائده، آیه ۳) امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) برای شما پسندیدم.

آری در شمارش نعمت ها باید نگاهی ویژه به نعمت های بزرگ پروردگار داشته باشیم تا خداوند نعمت هایش را افزون کند و گرنه کفر نعمت باعث از دست رفتن نعمت ها خواهد شد.

در تفسیر آیه آخر سوره تکاثر «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ یَوْمَئذٍ عَن النَّعیم»، در روز قیامت حتماً از نعمت ها سئوال خواهیم شد. امام صادق(ع) فرمود: منظور از نعمت در این آیه ما اهل بیت هستیم که خداوند به بندگانش ارزانی داشته و دل های آن ها را به هم پیوند داده است.(۱)

سوره های نعمت شماری

گرچه در اکثر سوره های قرآن نام نعمت های زیادی آمده، اما به نسبت در سوره های انعام، الرحمن، نمل و روم نعمت های بیش تری ذکر شده است شایسته است که مشتاقان به آیات نورانی این چهار سوره مراجعه نمایند. نکته دیگر این که، در قرآن کریم سوره های حمد، انعام، کهف، سباء، فاطر، تغابن با حمد خدا شروع می شوند.

۱- [۱] . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۷.

توحید مفضّل، سندی دیگر

توحید مفضّل منبع دیگری است که ما را با نعمت های خداوند آشـنا می کند امام صادق در چهار نشست در چهار روز، نشانه هـا و نعمت هـای خداونـد را برای شـاگردش مفضل بیان فرمود: روز اول شـگفتی های آفرینش انسان، روز دوم شـگفتی های آفرینش حیوانات روز سوم شگفتی های طبیعت و روز چهارم درباره اسرار و حکمت های مصائب و حوادث.

هدف را فراموش نکنیم

آهنـگ نعمت شـماری بایـد مـا را به خـدا و عبـادت و نیایش سوق دهـد آن هم نمازی عارفانه، عاشـقانه، خاضـعانه اگر نتیجه حرکت ها در نعمت شماری شوق بیش تر به نماز و بندگی بود، معلوم می شود که راه را درست آمده ایم.

ص:۴۰

۲- احساس ستایش گری (مدح)

اشاره

در احادیث می خوانیم که یکی از ریشه های نماز احساس ستایش گری یا مدح و ستایش خداوند است تمجید و ثنا و مدح خداوند را بهترین نوع عبادت دانسته اند. دراحادیث می خوانیم که نماز خود را با ثنای الهی آغاز کنید وقتی وارد مسجد می شوید خدا را ستایش کنید. در فصل های مختلف حج خدا را تمجید کنید و مدح و ثنا گویید (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۸۱) قبل از دعا و درخواست حاجت خدا را ستایش کنید.

تبیین احساس ستایش گری

ما انسان ها وقتی در برابر عظمت و زیبایی قرار می گیریم این پیام ها را دریافت می کنیم.

اول این که: از عظمت و زیبایی لذت می بریم؛ بزرگی و زیبایی ما را به سوی خود جذب می کند. ما صدای زیبا، کلام زیبا، طرح زیبا، نقش زیبا، شعر نیکو، نثر مناسب، رخسار زیبا، لباس زیبا را دوست

ص:۴۱

داریم، همچنین یزرگی را. بنای رفیع، کوه بلند، کشتی بزرگ، هواپیمای بزرگ ما را به ستایش وامی دارد.

دوم این که: وقتی با عظمت و زیبایی روبه رو می شویم آن را می ستاییم. هرکس با ادبیات خود آن بزرگی و زیبایی را تمجید و تعریف می کند. معمول است که در موزه ها و نگارستان ها دفتری در جایی مناسب قرار می دهند که بازدیدکنندگان نظر خود را بنویسند. جنس آن نظر غالباً ستایش است، همه به چیره دستی و توانایی و ظرافت دست نقاش و خوشنویس و معمار احسنت می گویند و اگر کسی از کنار بزرگی و زیبایی بی تفاوت بگذرد، همه او را سرزنش می کنند و می گویند: چه قدر بی احساسی مگر انسان نیستی؟

سوم این که: دوست داریم خود را به آفریننده زیبایی و بزرگی نزدیک کنیم. اگر ممکن باشد با او طرح رفاقت بریزیم، در کنار او عکس بگیریم و به این دوستی و رفاقت مباهات کرده و به دیگران اعلام کنیم که این منم که در کنار فلان استاد یا نقاش چیره دست ایستاده ام.

چهارم این که: دوست دارم خودم آفریننده اثری زیبا و بزرگ باشم و نامم ماندگار شود. جای دارد در اینجا این حدیث قدسی ذکر شود که خداوند فرمود: ای فرزند آدم، من زنده ای هستم که نمی میرم، تو هم از من اطاعت کن تا تو را زنده ای جاوید قرار دهم. ای فرزند

آدم، من وقتی به چیزی می گویم باش، هست می شود. تو هم از من اطاعت کن تا به این مقام برسی.(۱)

از این حدیث شریف فهمیده می شود که سرچشمه بزرگی ها و زیبایی ها خداست و هرکس طالب بزرگی و زیبایی است، راهش بندگی خداست.

خاطره

ماه رمضان سال ۱۳۷۰ در خدمت استادم حاج آقا قرائتی سفری یک ماهه به چهار کشور اروپایی داشتم. اتریش، سوئد، آلمان و فرانسه، هر کشور یک هفته. شب های قدر در شهر پاریس بودیم. یک شب که از مراسم برمی گشتیم، مردم در کنار خیابانی در صفی طولانی ایستاده بودند؛ حاج آقا پرسید این جا هم صف است؟ گفتند: این صف موزه لور است. از بزرگ ترین موزه های دنیاست. فردای آن روز از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران، بلیط تهیه شد و یکی از اساتید ایرانی دانشگاه سوربن، متخصص همان رشته، همراه ما شد تا راهنمایی کند. او می گفت که حداقل هشت ساعت باید وقت بگذارید. حاج آقا گفتند من کمر درد دارم، دو ساعت بیش تر طاقت ندارم، سالن های مهم تر را انتخاب می کنیم. راهنما اول ما را برد به سالن هایی که تمام اشیائش در دهه های گذشته، از ایران به سرقت رفته بود. تا این که وارد سالنی شدیم بسیار شلوغ. حاج آقا پرسید

۱- ۱ . مستدرک وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

این جا چه خبر است؟ استاد گفت: در این جا تابلوی نقاشی مهمی به نمایش گذاشته شده تابلوی نقاشی لبخند ژکوند. حاج آقا گفتند من از نقاشی سررشته ای ندارم به سالنی دیگر برویم. استاد گفت: حاج آقا آن قدر این تابلو مهم است که از اقصی نقاط دنیا برای دیدن آن به این جا می آیند و اهالی آمریکا تقاضا کرده اند اگر با زیردریایی برای مدت یک ماه به آمریکا برده شود، حاضرند هزینه بلیط آن را بپذیرند. حاج آقا گفتند: حال که چنین است برویم ببینیم قصه چیست؟ نزدیک تابلو رسیدیم و استاد راهنما شروع کرد به توضیح دادن که نقاش کیست؟ چند سال قبل این اثر را خلق کرده و اهمیت تابلو در چیست؟ چند دقیقه ای نگذشته بود که احساس کردم حاج آقا در کنار ما نیست. نگران شدم تا این که حاج آقا را دیدم گوشه سالن ناراحت نشسته؛ خدمت ایشان رسیده و پرسیدم کمرتان درد گرفته؟ گفتند نه. کسی چیزی گفته؟ گفتند نه. پرسیدم پس چرا ناراحتید؟ ایشان گفتند: نقاشی در چندصد سال قبل این تابلو را کشیده الآن از تمام دنیا به دیدنش می آیند. به نظر تو، نقاش مهم تر است یا نقاشی؟ گفتم: نقاش. ایشان گفت چرا مردم از آفریننده نقاشی که نقاش باشد ستایش و تعریف و تمجید می کنند، اما نسبت به آفریننده نقاش که خداست بی تفاوت شده اند. این انسان ها کجای مسیر تربیت را اشتباه آمده اند که وقتی عکس طاووس را می بینند تمجید می کنند، اما وقتی خود طاووس را می بینند چشم و لب فرومی بندند. عکس گیلاس را می بینند مدح

می کنند و از نقاش تقدیر می کنند، اما خود گیلاس را می بینند و سکوت می کنند این غصه من است. قرآن می فرماید: «قُتِلَ الإِنْسَانُ مَا أَکْفَرَهُ» (مائده، آیه ۱۷) مرگ بر انسان چه قدر ناسپاس است، چه قدر حق را می پوشاند.

شیوه پیشنهادی

ما می توانیم با شمارش زیبایی ها و عظمت های خلقت خداوند، احساس ستایش گری از خداوند را پرورش دهیم. در فرهنگ قرآن همه موجودات، آیه ها و نشانه های خدا هستند و اگر نگاه توحیدی داشته باشیم می توانیم از نشان به سوی صاحب نشان حرکت کنیم.

دنیای ستاره ها، دنیای گل ها و میوه ها، دنیای پروانه ها و پرنده ها، دنیای ماهی ها، دنیای سنگ ها و... قرآن می فرماید: نشانه های خدا و کلمات خدا آن قدر زیادند که اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب گردد و هفت دریاچه به آن افزوده شود، این ها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی پذیرند. خداوند عزیز و حکیم است «وَلَوْ أَنَّمَا فِی الأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَالْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ کَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ» (لقمان،آیه ۲۷).

اگر در قرآن کریم کلمه آیه را پیگیری کنیم، زیبایی ها و عظمت های خلقت را می بینیم و اگر نگاه ما نگاه عالمانه باشد، خدا را در آیینه آیاتش می بینیم. چه قدر خوب است که موضوع آشنایی با زیبایی های خلقت الهی به راه افتد تا در نهایت لب به ستایش

ص:۴۵

بگشایند و چه ستایشی بهتر از نماز؛ ستایشی که خالق آن را می پسندد. با قلبی پاک در پیش گاه خدای بزرگ به سوی کعبه بایستیم و ستایش خدا را قصد کنیم و با الله اکبر وارد حرم خدا شویم، آن گاه اولین سوره کتابش را بخوانیم، سپس سوره ای انتخابی و پس از آن رکوع و سجده و قنوت و... این سبکی است که خالق زیبایی ها برای ما می پسندد و رشد و سعادت ما را در سایه این عبادت می داند.

نمونه هایی از آیات الهی در آینه قرآن

۱- آفرینش انسان از خاک

وَ مِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم، آیه۲۰). و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بشری شدید و در روی زمین گسترش یافتید.

۲- آفرینش همسر

وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (روم، آیه ۲۱) و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان، آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این امور نشانه هایی است برای گروه هایی که تفکر می کنند.

۳- آفرینش آسمان و زمین، تنوع زبان ها و شکل ها

وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَأَلْوَانِکُمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِلْعَالِمِینَ (روم، آیه ۲۲) و از آیات او آفرینش آسمان و زمین

و تفاوت زبان ها و رنگ های شماست؛ در این امور نشانه هایی است برای دانشمندان.

۱- خواب شب، کار روز

وَمِنْ آيَاتِه مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِه إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (روم، آیه۲۳) و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره مند شدن از فضل پروردگار و تامین معاش؛ در این امور، نشانه هایی است برای آنان، که گوش شنوا دارند.

۲- رعد و برق، بارش باران، رویش گیاهان

وَمِنْ آيَاتِه يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم، آیه ۲۴) و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می دادند، که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه ها و امید به نزول باران)، و از آسمان آب ها فرو می نشاند، که زمین را بعد از مردنش به وسیله آن زنده می کند! در این امور نشانه هایی است برای اهل خرد.

۳- استقرار آسمان و زمین

وَمِنْ آيَاتِه أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِه (روم، آیه ۲۵) و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست.

۱- وزش بادها، حرکت کشتی ها

وَمنْ آیَاته أَنْ یُرْسلَ الرِّیَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلیُذیقَکُم منْ رَحْمَته وَلتَجْرِیَ الْفُلْکُ بأَمْره وَلتَبْتَغُوا منْ فَضْله وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (روم، آیه۴۶) و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به عنوان بشارت دهنده می فرست تا شما را از رحمتش بچشانند و کشتی ها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید، گیرید; شاید شکر کنید.

۲- شب و روز، خورشید و ماه

وَمنْ آیَاته اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لا تَسْجُدُوا للشَّمْس وَلا للْقَمَر وَاسْجُدُوا للَّه الَّذی خَلَقَهُنَّ إنْ کُنْتُمْ إیَّاهُ تَعْبُدُونَ (فصلت، آیه ۳۷) و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آن هاست. سجده کنید اگر می ترسید، او را بپرستید!

۳- فصل بهار

وَ منْ آیَاته أَنَّکَ تَرَی الأرْضَ خَاشعَةً فَإذَا أَنْزَلْنَا عَلَیْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إنَّ الَّذی أَحْیَاهَا لَمُحْیی الْمَوْتَی إنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ (فصلت، آیه ۳۹) و از آیات او این است که زمین را خشک می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن می شود، به جنبش درمی آید و نمو می کند! همانند کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می کرد. او بر هرچیز تواناست!

ص:۴۸

۱۰- رنگارنگی و تنوع میوه ها و خوردنی ها

وَفی الأَرْض قطَعٌ مُتَجَاورَاتٌ وَجَنَّاتٌ منْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخیلٌ صنْوَانٌ وَغَیْرُ صنْوَانٍ یُسْقَی بمَاءٍ وَاحدٍ وَنُفَضّلُ بَعْضَهَا عَلَی بَعْضٍ فی الأُكُل إنَّ فی ذَلكَ لآیَاتٍ لقَوْمٍ یَعْقلُونَ (رعد، آیه۴) و در روی زمینه قطعه هایی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخل ها، (و درختان می گیرد،) گوناگون) که گاه بر یک پایه می دهیم. و گاه بر دو پایه; (و عجیبی آنان همواره) آن ها)! از یک آب سیطره می شد! و با این حال، بعضی از آن ها)! را از جهت می گیرد،) بر دیگری برتری می دانستند... در این چنین نشانه هایی) است برای گروه هایی که عقل خویش را به کار می گزند!

خاطره

حدود ده سال قبل مسافرتی داشتم به شهرستان داراب در استان فارس. همه شهر رنگ نماز به خود گرفته بود و همایش های متعدد برای نماز برگزار بود. آخرین سخنرانی من در دبیرستانی دخترانه بود. مراسم که تمام شد راهی شیراز شدم، مدیر دبیرستان از من خواست که از نمایشگاه عکسی که برگزار شده دیدن کنم. من گفتم موضوع نمایشگاه نماز است؟ گفت: نه؛ ولی دوست دارم شما که تا این جا آمده ای گزارش این نمایشگاه را به وزارتخانه برسانی. من گفتم: چون به موضوع ماموریت من مربوط نیست و چون ممکن است دیر برسم پوزش می خواهم او اصرار کرد و با اصرار مرا

به سمت سالن نمایشگاه برد در راه توضیح داد که برای دانش آموزان اعلام شده هرکس با دوربین عکاسی شخصی خودش با هر موضوعی که می خواهد یک عکس بگیرد و عکس خود را زیرنویسی کند بیش از ۲۰۰ نفر از دانش آموزان در این مسابقه شرکت کرده اند و آثار در این سالن به نمایش گذاشته شده است.

وارد سالن شدیم. به عکس دهم که رسیدیم مدیر دبیرستان دید من گریه می کنم. با تعجب پرسید: حاج آقا کجای این عکس ها گریه دارد. من گفتم حاج خانم، این نمایشگاه عکس نیست این نمایشگاه نماز است چطور متوجه نیستید. شما ناخودآگاه یک فعالیت ریشه ای نمازی انجام داده اید، قصه از این قرار بود که شاید تمام دانش آموزان عکس هایی که گرفته بودند از طبیعت بود و جملاتی که نوشته بودند دربارهٔ ستایش خدا بود. یعنی دقیقاً همین پیشنهادی که در این فصل ارائه شد. پرورش احساس ستایش گری؛ این برنامه پرورشی به طور خودجوش این احساس فطری را تحریک کرده بود و بچه ها با عکس های خود، احساس خود را نشان داده بودند. یکی از یک گل عکس گرفته بود، یکی از صخره یا کوه و یکی هم از بزغاله.

یکی از جوجه ای که سر از تخم در ما می آورد و یکی هم از لحظه غروب آفتاب و ...

ص:۵۰

خاطره ای دیگر

از سر کار به منزل می رفتم؛ وارد خانه شدم. دختر کوچکم زینب دوید به سویم؛ گفت بابا نمی دونی امروز خانم معلم چه کار کرد. امروز وقتی سر کلاس آمد، به تعداد شاگردان انار دون کرده آورده بود به هر دانش آموزی یک پاکت انار داد. انار خوشگلی هم روی میز گذاشت آن گاه گفت بچه ها شروع کنید به انار خوردن. ما انار خوردیم و انار دیدیم، خانم معلم هم شعر انار خواند:

صد دانه یاقوت دسته به دسته   با نظم و ترتیب یکجا نشسته

هر دانه ای هست خوش رنگ و رخشان   قل_ب سفی_دی در سینهٔ آن

یاق_وت ها را پ_یچی_ده ب_ا ه_م   در پوش_شی ن_رم پ_روردگارم

من می گویم، این کار شیوه دعوت به نماز است. یک کار پرورشی، پرورش یکی از ریشه های فطری نماز در کار این معلم نهفته است. این نمازگزار به راحتی از نماز دست برنمی دارد.

خاطره ای دیگر

به اتفاق خانواده از تهران عازم مشهد شدیم در راه با دو کار نمازی برخورد کردم؛ یکی کنار دریا دیدم دانش آموزانی کاغذ و قلم به دست گرفته و طلوع خورشید را توصیف می کنند، شاید خود مربی هم نمی دانست که دست به کاری درباره نماز زده است. بچه ها به مشرق نگاه می کردند و ستایش خدا را می نوشتند.

ص:۵۱

چند ساعت بعد به جنگل های گلستان رسیدیم، تعدادی دانش آموز را در حال فعالیتی دیدم، توقف کرده به سراغشان رفتم، مربی به آن ها گفته بود از برگ درختان شکلی بسازید و زیر آن جمله ای بنویسید؛ جایتان خالی بود که چه منظره های زیبایی خلق کرده بودند و چه جمله های زیبایی در ستایش خدا نوشته بودند. این ها همه شیوه های دعوت به نماز است، پرورش احساس ستایش گری.

پیامبر و تماشای ستاره ها

امام صادق(ع) فرمود: سیره رسول خدا(ص) چنین بود که به هنگام خواب ظرف آب وضو و مسواکش را کنار خود می گذاشت مقداری که استراحت می کرد از خواب بر می خاست به حیاط منزل می آمد و به ستاره ها نگاه می کرد و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره آل عمران را تلاوت می کرد. آن گاه مسواک می زد و وضو می گرفت و چهار رکعت نماز شب می خواند و به بستر می رفت. کمی که می خوابید، مجدداً از خواب بر می خاست و به حیاط منزل می آمد و به ستاره ها نگاه می کرد و همین پنج آیه را می خواند، مسواک می کرد و وضو می گرفت و چهار رکعت دیگر از نماز شب را می خواند و به بستر استراحت می رفت برای سومین بار از خواب بر می خاست و به حیاط منزل می آمد و به آسمان می نگریست و این آیات را تلاوت می کرد. مسواک می کرد و وضو می گرفت و به نماز می ایستاد و

ص:۵۲

سه رکعت نماز شب را می خواند و راهی مسجد می شد.(۱) آری این آیاتی است که هر شب آن هم سه بار پیامبر عزیز ما می خوانده و با خدا عشق بازی می کرده است. با هم به این تابلو آسمانی نگاه کنیم:

إِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ (آل عمران، آیه ۱۹۰) حقیقت این است که در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان.

خردمندان چه کسانی هستند؟

الَّذینَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِهِمْ (آل عمران، آیه ۱۹۱) آنان که خدا را یاد می کنند در حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده. «وَ يَتَفَكَّرُونَ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» و می اندیشند در آفرینش آسمان ها و زمین.

و نتیجه این ذکر و این فکر این می شود که می گویند:

رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ (آل عمران، آیه ۱۹۱) پروردگارا این جهان را بیهوده نیافریدی منزهی تو، ما را از عذاب آتش برهان.

رَبَّنا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَ ما لِلظَّالِمينَ مِنْ أَنْصارٍ (آل عمران، آیه ۱۹۲) پروردگارا هر که را که تو به خاطر اعمالش به آتش افکنی، او را رسوا ساخته ای و برای ستم گران یار و یاوری نیست.

۱- [۱] . تفسیر نورالثقلین.

رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادیاً یُنادی لِلْإِیمان أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرار (آل عمران، آیه ۱۹۳) پروردگارا ما صدای منادی تو را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را ببخش و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَه إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ (آل عمران، آیه ۱۹۴) پروردگارا آن چه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی به ما عطا کن و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی.

فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِینَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ أُوذُوا فی سَبِیلی وَ قاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّه وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّواب (آل عمران، آیه ۱۹۵)

خداوند درخواست آن ها را پذیرفت (و فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد. شما همنوعید از جنس یکدیگر. آن ها که در راه خدا هجرت کرده اند و از خانه های خود بیرون رانده شدند، در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند به یقین گناهانشان را می بخشم و آن ها را در باغ های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است وارد می کنم.

ص:۵۴

این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش ها نزد پروردگار است.

آری این ستایش نامه هرشب پیامبر است. پیامبری که در مناجات خود با خدا و در حین تلاوت این آیات آن قدر اشک می ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش تر می شد، سپس سر به سجده می گذاشت و چندان می گریست که زمین از اشک چشمش تر می شد و هنگامی که بلال می پرسید: شما که مشمول لطف خدا هستید، چرا این گونه گریه می کنید؟ می فرمود: «اَفلا اَکُون عَبْداً شَکُورا» آیا بنده شکرگزار نباشم؟ در پایان می فرمود: وای بر حال کسانی که این آیات را بخوانند و در آن نیندیشند!

زمامداران مسلمان، نیایش گران عاشق

حَبّه عُرَنی از یاران امام علی(ع) است او می گوید من و نوف بکالی و یکی دیگر از یاران امیرالمؤمنین(ع)، شبی در صحن استانداری ماندیم و خوابیدیم ناگهان در اواخر شب امیرالمومنین(ع) را دیدیم که مانند شخص واله و شیدا، دست خویش را به دیوار گذاشته و آیات آخر سوره آل عمران (۱۹۰ تا ۱۹۵) را می خواند و به سان شخص عقل پریده راه می رود تا این که امام به من رسید و فرمود: حبه، خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم، شما که چنین می کنید پس ما چگونه باشیم؟ چشمان حضرت پر از اشک شد؛ آن گاه فرمود: ای حبّه، خداوند را مقامی است و ما را در پیشگاه او جایگاهی و

هیچ کدام از اعمال ما بر او پوشیده نیست. ای حبّه، خداوند نسبت به تو و من از رشته گردن نزدیک تر است. ای حبّه، هیچ چیز نمی تواند من و تو را از دید خداوند پنهان کند. سپس فرمود: ای نوف، آیا خوابیده ای؟ نوف عرض کرد: خیر ای امیرالمومنین، امشب بسیار گریستم. امام(ع) فرمود: ای نوف، اگر در این شب از خوف خدا گریستی، فردای قیامت در پیش گاه خداوند چشمانت روشن خواهد شد. ای نوف، هیچ قطره ای از چشم انسان به خاطر ترس از عظمت خدا به زمین نمی ریزد مگر این که دریاهای آتش جهنم را خاموش می سازد.

ای نوف، هیچ کس مقام و منزلتش والاتر از کسی نیست که از ترس عظمت خدا بگرید و در راه خشنودی خدا دوست بدارد و دشمن بدارد.

آن گاه امام دو یارش را پند داد و درحالی که مناجاتی را زمزمه می کرد، از آن ها دور شد. نوف می گوید امام را دیدم به گوشه ای رفت و محاسنش را روی دست گرفته و بسان شخص مصیبت زده می گریست.(۱)

طاووس، نشانه ای از نشانه های خدا

امیرالمؤمنین(ع)، در خطبه ۶۵ نهج البلاغه، شگفتی های خلقت طاووس را بیان فرموده است که نظر شما را به آن جلب می نمایم. این خطبه سندی والا برای پرورش احساس ستایش گری است:

۱- [۱] . مستدرک وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۹.

و از شـگفت انگیز ترین پرندگان در آفرینش، طاووس است، که آن را در اسـتوارترین شکل موزون بیافرید، و رنگ های پر و بالش را به نیکو ترین رنگ ها بیاراست، با بال های زیبا که پرهای آن به روی یک دیگر انباشـته و دم کشـیده اش که چون به سوی مـاده پیش می رود آن را چونـان چتری گشوده و بر سـر خود سایبان می سازد، گویا بادبان کشتی است که ناخـدا آن را برافراشته است.

طـاووس به رنگ های زیبای خود می نازد، و خوشـحال و خرامان دم زیبایش را به این سو و آن سو می چرخانـد و سوی ماده می تازد، چون خروس می پرد، و چون حیوان نر، مست شـهوت با جفت خویش می آمیزد، این حقیقت را از روی مشاهده می گویم، نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید. اگر کسی خیال کند، باردار شدن طاووس به وسیله قطرات اشکی است که در اطراف چشم نر حلقه زده و طـاووس ماده آن را می نوشـد، آن گاه بـدون آمیزش با همین اشک ها تخم گـذاری می کنـد، افسانه بی اساسـی است. ولی شـگفت تر از آن نیست که می گویند: «زاغ نر طعمه به منقار ماده می گذارد که همین عامـل باردار شـدن زاغ است!» گویا نی های پر طاووس چونان شانه هایی است که از نقره ساخته، و گردی های شـگفت انگیز آفتـاب گونه که به پرهای اوست، از زرناب و پاره های زبرجـد بافته شـده است. اگر رنگ های پرهای طاووس را به روییـدنی های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسـته گلی است که از شـکوفه های رنگارنگ گل های بهاری فراهم آمـده است، و اگر آن را

با پارچه های پوشیدنی همانند سازی، پس چون پارچه های زیبای پرنقش و نگار یا پرده های رنگارنگ یمن است، و اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی چون نگین های رنگارنگی است که در نواری از نقره با جواهرات زینت شده است.

روان شناسی حیوانی طاووس

طاووس، چون به خود بالنده و مغرور راه می رود، دم و بال های زیبایش را برانداز می کند، پس با توجه به زیبایی جامه و رنگ های گوناگون پر و بالش قهقهه سر می دهد، اما چون نگاهش به پاهای او می افتد، بانگی برآورد که گویا گریان است، فریاد می زند گویا که دادخواه است، و گواه صادق دردی است که در درون دارد، زیرا پاهای طاووس چونان ساق خروس دو رگه (هندی و پارسی) باریک و زشت و در یک سو ساق پایش ناخنکی مخفی روییده است.

شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس

بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبزرنگ و پرنقش ونگار روییده، و برآمدگی گردنش چونان آفتابه ای نفیس و نگارین است، و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی وسمه یمانی رنگ آمیزی شده، یا چون پارچه حریر براق یا آیینه ای شفاف که پرده برروی آن افکندند. در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می باشد، پنداری با رنگ سبز تندی در هم

ص:۵۸

آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد. کم تر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق وبرق جامه اش آن را جلای برتری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه های پراکنده ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست، و شگفت آور آن که هر چندگاهی از پوشش پرهای زیبا بیرون می آید، و تن عریان می کند، پرهای او پیاپی فرو می ریزند و از نو می رویند، پرهای طاووس چونان برگ خزان رسیده می ریزند و دوباره رشد می کنند و به هم می پیوندند، تا دیگربار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می یابد، بی آن که میان پرهای نو و ریخته شده تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جابه جا بروید، اگر در تماشای یکی از پرهای طاووس دقت کنی، لحظه ای به سرخی گل، و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد، و گاه به زردی زرناب جلوه می کند.

راستی، هوش های ژرف اندیش و عقل های پرتلاش چگونه این همه از حقایق موجود در پدیده ها را می تواند درک کند؟ و چگونه گفتار توصیف گران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان توانند کرد؟ و در درک کم ترین اندام طاووس، گمان ها از شناخت درمانده و زبان ها از ستودن آن در کام مانده اند. پس ستایش خداوندی را سزاست که عقل ها را از توصیف پدیده هایی که برابر دیدگان جلوه گرند ناتوان ساخت، پدیده محدودی که او را با ترکیب پیکری پرنقش و نگار، با رنگ و مرزهای مشخص می شناسد، باز هم از

تعریف فشرده اش زبان ها عاجز و از وصف واقعی آن درمانده اند! حال چگونه خدا را می توانند درک کنند؟

شگفتی های آفرینش خفاش

امام علی(ع) در خطبه ۱۵۵ نهج البلاغه، به بیان شگفتی های خلقت خفاش می پردازد:

از زیبایی های صنعت پروردگاری، و شگفتی های آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است، روشنی روز که همه چیز را می گشاید چشمانشان را می بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می برد، چشمان آن ها را باز می کند، چگونه چشمان خفاش کم بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راه های زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می خواهد، روشنی آفتاب خفاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده اش باز می دارد، و در خلوتگاه های تاریک پنهان می سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است.

پس خفاش در روز پلک ها را بر سیاهی دیده ها اندازد، و شب را چونان چراغی برمی گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جست وجو می کند، و سیاهی شب دیده های او را نمی بندد، و به خاطر تاریکی زیاد، ازحرکت و تلاش باز نمی ماند. آن گاه که خورشید پرده از رخ بیافکند، و سپیده صبح گاهان بدمد، و لانه تنگ

ص:۶۰

سوسـمارها از روشـنی آن روشن گردد، شب پره ها، پلک ها را بر هم نهد، و برآن چه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کنـد. پـاک و منزه است خـدایی که شب را برای خفاشـان چونـان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار داد، و روز را چونان شب تار، مایه آرامش و استراحت آن ها انتخاب فرمود، و بال هایی از گوشت برای پرواز آن ها آفریـد، تا به هنگام نیاز به پرواز، از آن اسـتفاده کنند، این بال ها، چونان لاله های گوشـند، بی پر و رگ های اصلی، اما جای رگ و نشانه های آن را به خوبی مشاهـده خواهی کرد. برای شب پره هـا دو بـال قرار داد، نه آن قـدر نـازک که در هم بشـکند، نه چنـدان محکم که سنگینی کنـد، پرواز می کننـد درحالی که فرزندانشان به آن ها چسبیده و به مادر پناه برده اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می گیرند، از مادرانشان جدا نمی شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بال ها قدرت پرواز کردن پیـدا کنـد، و بدانـد کـه راه زنـدگی کردن کـدام اسـت؟ و مصالـح خـویش را بشـناسد. پس پـاک و منزه اسـت پدیدآورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقی مانده از دیگری، همه چیز را آفرید.

ص:۶۱

۳- احساس نیایش گری

اشاره

انسان برترین و پیچیده ترین مخلوق هستی است و جهان و امکاناتش در اختیار او؛ اما این موجود برتر در حرکت خود به سوی کمال با نیازها و احتیاجات محاصره شده است. آیا این نیازها را با که در میان بگذارند؟ از که طلب کند؟ دیگران نیز هم چون او نیازمندند و کاری از دستشان ساخته نیست. در فطرت او روزنه امیدی است که او را به سرچشمه بی نیازی می کشاند و او خدای مهربان است عزیزترین بندگان خدا پیامبران و اولیاء هستند که وقتی قصه آنان را در قرآن می خوانیم هر جا که نیازمند می شوند، دست نیاز خود را به سوی خدای خود بلند می کردند و با امید به استجابت نیاز خود را با ا و در میان می گذاشتند.

واژه صلاه به معنای نیایش و دعاست براساس آیات قرآن، نماز در تمام ادیان وجود داشته و جوهره نماز، نیازخواهی و نیایش گری با خدایی است که انسان را دوست دارد و به او مهر می ورزد. وقتی انسان با نیازی روبه رو می شود که توان رفع نیاز خود را ندارد، این پیام ها را دریافت می کند:

ص:۶۳

۱- در جست وجوی کسی است که نیاز او را بشناسد و قدرت رفع نیاز او را داشته باشد.

۲- در جست وجوی کسی است که بر او منت نگذارد و او را دوست بدارد.

۳- در جست وجوی کسی است که در برابر این رفع نیاز طلب کاری نکند.

۴- وقتی چنین کسی را پیدا کرد، دوست دارد نیازش را به زبان جاری کند.

۵- وآن گاه که نیازش برطرف شد، دوست دارد در برابر او اعلام کوچکی کند.

برای پرورش این احساس می توانیم:

با آشنایی با نیایش های انسان های بزرگ این احساس را در خود پرورش دهیم، به دنیای روحی پیامبران و اولیاء وارد شویم و دعاهای آنان را مرور کنیم، در این صورت حس حقیقی در ما تقویت می شود ابتدا به سراغ قرآن و آن گاه به تماشای اولیاء و ائمه می رویم و این الگوهای نیایش گری را درس زندگی قرار می دهیم.

ص:۶۴

الف– نیایش های قرآنی

در قرآن کریم حدود ۱۶۰ دعا و نیایش وارد شده که بدون توضیح و تفسیر فقط در حد ترجمه در اختیار شما خوانندگان این کتاب قرار می گیرد؛ اما این میدان، میدان بزرگ مسابقه است. جا دارد در مجامع فرهنگی، این آیات به مسابقه گذاشته شود و مردم خوب ما این آیات را در جای جای زندگی خود هر صبح و شام زمزمه کنند و درباره تفسیر این آیات مطالعه کنند تا به عمق نیازهای خود پی ببرند چه زیباست اگر کلاس های دانشگاه ما و مجامع قرآنی ما سرشار از این مفاهیم باشد و مطمئن باشیم که این ها ریشه های فطری نماز است و هر چه این ریشه ها تقویت شود، کیفیت نمازهای مردم ما الهی تر، معنوی تر و عمیق تر خواهد شد. در حدیث می خوانیم که یکی از راه های شناخت انسان ها، مطالعه نیایش های آن هاست. بعضی از نیازهای حقیقی خود غافلند و به نیازهای کاذب آنی و زودگذر روآورده اند. امّا مطالعه این آیات نیازهای حقیقی را به ما نشان می دهد. چیزی که ابراهیم بزرگ از خداوند خواست، نیازی که نوح پیامبر از خدا درخواست کرد، موسی کلیم الله و عیسی روح الله طلب کرده و مریم پاک و یوسف صدیق به سمت آن دست نیاز بلند کرده و...

حال به تماشای این آیات نورانی می رویم و تصمیم می گیریم که به توصیه امام حسن مجتبی(ع) عمل کنیم که به یکی از یارانش فرمود: به سراغ دعاهای قرآن برو و آن ها را دستور کار خود قرار ده.

۱- دعای آدم و حوا

طلب مغفرت و بخشش

قَالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف، ۲۳) گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیان کاران خواهیم بود!

۲- دعاهای حضرت نوح (ع)

نجات خود و مؤمنان

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِی كَذَّبُونِ، فَافْتَحْ بَيْنِی وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِی وَمَنْ مَعِیَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸) گفت: پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! اکنون میان من و آن ها جدایی بیافکن و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!

هلاکت کافرانی که مردم را گمراه می کنند

وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لا تَذَرْ عَلَى الأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا، إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلا يَلِدُوا إِلا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح، آیات ۲۶ و ۲۷) نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! چرا که اگر آن ها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می کنند، و جز نسل های فاجر و کافر به وجود نمی آورند.

بخشش برای مومنین نابودی برای کافران

رَبِّ اغْفرْ لی وَلوَالـدَیَّ وَلمَنْ دَخَلَ بَیْتیَ مُؤْمنًا وَللْمُؤْمنینَ وَالْمُؤْمنَات وَلا تَزد الظَّالمینَ إلا تَبَارًا (نوح، آیه ۲۸) پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ظالمان را جز هلاکت میفزا.

انتقام از دشمن

فَدَعَا رَبَّهُ أَنّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصرْ (قمر، آیه ۱۰) او به درگاه پروردگار عرضه داشت: من مغلوب این قوم طغیان گر شده ام، انتقام مرا از آن ها بگیر!

نصرت و یاری

قَالَ رَبِّ انْصُرْنی بمَا کَذَّبُون (مومنون، آیه۲۶) (نوح) گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب های آنان یاری کن!

سرزمین مبارک

وَ قُلْ رَبِّ أَنْزلْنی مُنْزَلا مُبَارَکًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزلینَ (مومنون، آیه ۲۹) و بگو: پروردگارا! ما را در منزل گاه هایی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی!

نجات فرزند

وَنَادَی نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبّ إنَّ ابْنی منْ أَهْلی وَإنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْکَمُ الْحَاکمینَ (هود، آیه ۴۵) نوح به پروردگارش عرض کرد:

پروردگارا! پسرم از خاندان من است; و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم کنندگان برتری!

بخشش و رحمت

قَالَ رَبِّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَیْسَ لی به علْمٌ وَإِلا تَغْفرْ لی وَتَرْحَمْنی أَکُنْ منَ الْخَاسرینَ (هود، آیه ۴۷) عرض کرد: پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، وبر من رحم نکنی، از زیان کاران خواهم بود.

۳- دعاهای حضرت ابراهیم(ع)

علم و حکمت

رَبِّ هَبْ لی حُکْمًا وَأَلْحقْنی بالصَّالحینَ (شعرا، آیه۸۳) پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن!

محبوبیت و خوشنامی

وَاجْعَلْ لی لسَانَ صدْقٍ فی الآخرینَ (شعرا، آیه۸۴) و برای من در میان امت های آینده، زبان صدق و ذکر خیری قرار ده!

بهشت

وَاجْعَلْنی منْ وَرَثَه جَنَّه النَّعیم (شعرا، آیه ۸۵) و مرا از میراث بران بهشت، پرنعمت گردان!

مغفرت برای ناپدری

وَاغْفِرْ لأَبی إِنَّهُ کَانَ منَ الضَّالّینَ (شعرا، آیه ۸۶)، و بر پدرم ببخشای، زیرا او از گمراهان است.(آزر پدر همسر یا عموی ابراهیم بوده و پدرش تارخ موحد بوده است)

عزت در قیامت

وَ لاـ تُخْزنی یَوْمَ یُبْعَثُونَ، یَوْمَ لاـ یَنْفَعُ مَـالٌ وَ لاـ بَنُونَ، إلاـ مَنْ أَتَی اللَّهَ بقَلْبٍ سَـلیم (شعرا، آیات ۸۷ تا ۸۹) و مرا در روزی که (مردم) برانگیخته می شونـد. خوار مگردان، در آن روز که مـال و پسـران سودی نمی بخشـند، مگر کسـی که بـا قلبی سالم، از عقاید و اخلاق فاسده، به نزد خداوند بیاید.

مصونیت از فتنه کفار

رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا فتْنَهً للَّذینَ کَفَرُوا وَاغْفرْ لَنَا رَبَّنَا إنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ (ممتحنه، آیه ۵) پروردگارا! ما را وسیله آزمایش کسانی که کفر ورزیدنـد قرار مـده (که مـا را به زبـان یـا به عمـل بیازارنـد یـا برای امتحـان آن هـا مـا را به مصـائبی گرفتـار مساز)، و پروردگارا، بر ما ببخشای، زیرا تویی که صاحب اقتدار و حکمتی.

فرزند صالح

رَبِّ هَبْ لی منَ الصَّالحینَ (صافات، آیه ۱۰۰) پروردگارا! به من از صالحان (فرزندان صالح) ببخش!

ص:۶۹

شهر امن

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَـٰذَا الْبَلَدَ آمِنًا (ابراهیم، آیه ۳۵) (به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده!

دوری از انحراف

وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الأَصْنَامَ (ابراهیم، آیه ۳۵) و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور نگاه دار!

محبوبیت

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ (ابراهیم، آیه ۳۷) پروردگارا! همانا من بعضی از فرزندانم را (اسماعیل را به همراه مادرش) در دره ای بی کشت و زرع در نزد خانه محترم و مصون تو ساکن کردم، پروردگارا تا نماز را برپا دارند، پس چنان کن که دل هایی از مردم به سوی آن ها میل کنند.

رفاه و برخورداری

وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (ابراهیم، آیه ۳۷) و از محصولات گوناگون روزی آنان گردان، باشد که سپاس گزارند.

ص:۷۰

نسلی نماز گزار

رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلاه وَمنْ ذُرِّیَّتی رَبَّنا وَتَقَبَّلْ دُعَاء (ابراهیم، آیه ۴۰) پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر!

مغفرت برای والدین و مومنین

رَبَّنا اغْفرْ لی وَ لوَالدَیَّ وَللْمُؤْمنینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحسَابُ (ابراهیم، آیه ۴۱) پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز.

قبولی عمل

وَإذْ یَرْفَعُ إبْرَاهیمُ الْقَوَاعدَ منَ الْبَیْت وَإسْمَاعیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ منَّا إنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ (بقره، آیه ۱۲۷) و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند و می گفتند پروردگارا! (این عمل را) از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

تسلیم تو بودن

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلمَیْن لَکَ وَمنْ ذُرِّیَّتنَا أُمَّهً مُسْلمَهً لَکَ (بقره، آیه۱۲۸) پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده! و از فرزندان ما نیز امتی تسلیم خود به وجود آور!

شیوه عبادت

وَ أَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُبْ عَلَیْنَا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ (بقره، آیه ۱۲۸) و شیوه های پرستش مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، بی گمان تویی که توبه پذیر و مهربانی!

نسلی معلم و مربی

رَبَّنَا وَابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیَاتِکَ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ وَیُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (بقره، آیه۱۲۹) پروردگارا! در میان آن ها پیامبری، از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان، بخواند، و آن ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!

دعاهای حضرت لوط

غلبه بر تبهکاران

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِی عَلَی الْقَوْمِ الْمُفْسِدِینَ (عنکبوت، آیه۳۰) گفت: پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!

نجات از فاسدان

رَبِّ نَجِّنِی وَأَهْلِی مِمَّا یَعْمَلُونَ (شعرا، آیه ۱۶۹) پروردگارا! من و خاندانم را از آن چه که این ها انجام می دهند رهایی بخش!

ص:۷۲

دعاهای حضرت سلیمان

سلطنتی بی نظیر

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لی وَهَبْ لی مُلْكًا لا یَنْبَغی لأحَـدٍ منْ بَعْـدی إنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (ص، آیه ۳۵) گفت: پروردگـارا! مرا بیامرز و مرا آن پادشاهی ببخش که پس از من هیچ کس را نسزد، که تویی بسیار بخشنده.

روحیه سپاس گزاری

رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْكُرَ نعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلَی وَالدَیَّ (نمل، آیه ۱۹) پروردگارا! مرا الهام کن، و توفیق ده که نعمتت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس دارم.

عمل کرد شایسته

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالحًا تَرْضَاه (نمل، آیه ۱۹) و کاری نیک و شایسته کنم که آن را می پسندی.

دعای سپاهیان طالوت

مقاومت

وَ لَمَّا بَرَزُوا لجَالُوتَ وَجُنُوده قَالُوا رَبَّنَا أَفْرغْ عَلَیْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْـدَامَنَا وَانْصُـرْنَا عَلَی الْقَوْم الْكَافرینَ (بقره، آیه ۲۵۰) و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتنـد، گفتنـد: پروردگارا، برما شـکیبایی فروریز و گام هامان اسـتوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری و پیروزی ده.

ص:۷۳

دعای حضرت یوسف

خوش عاقبتی

رَبِّ قَدْ آتَیْتَنی منَ الْمُلْک وَعَلَّمْتَنی منْ تَأْویل الأحَادیث فَاطرَ السَّمَاوَات وَالأرْض أَنْتَ وَلیّی فی الدُّنْیَا وَالآخرَه تَوَفَّنی مُسْلمًا وَأَلْحقْنی بالصَّالحینَ (یوسف، آیه ۱۰۱) پروردگارا! مرا از پادشاهی (بهره) بدادی و از تعبیر خواب ها بیاموختی، ای پدیدآرنده آسمان ها و زمین، تو یار و سرپرست من در این جهان وآن جهانی، مرا مسلمان گردن نهاده و فرمان بردار بمیران و به شایستگان نیکوکار بپیوند.

دعای حضرت یونس

بخشش

وَ ذَا النُّون إذْ ذَهَبَ مُغَاضبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدرَ عَلَیْه فَنَادَی فی الظُّلُمَات أَنْ لا إلَهَ إلا أَنْتَ سُبْحَانَکَ إنّی کُنْتُ منَ الظَّالمینَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ منَ الْغَمّ وَکَذَلکَ نُنْجی الْمُؤْمنینَ (انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸) و ذاالنون (یونس) را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین برفت و پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، در آن ظلمت ها صدا زد: (خداوندا!) جز تو معبودی نیست! پاک و منزهی تو، همانا من از ستمکاران بودم!، ما دعای او را به اجابت کردیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

ص:۷۴

دعای اصحاب کهف

رحمت و رشد

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (کهف، آیه ۱۰) زمانی را به خاطر بیاور که آن جوان مردان به غار پناه بردنـد، و گفتند: پروردگارا، به ما از نزد خویش بخشایشی ارزانی دار و برای ما در کارمان رهیابی (به صلاح و کمال) را فراهم ساز.

دعای حضرت شعیب (ع)

گشایش

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُالْفَاتِحِينَ (اعراف، آیه ۸۹) پروردگـارا! میـان مـا و قوم مـا به حق داوری کن، که تو بهترین داورانی.

دعاهای حضرت موسی(ع)

آمرزش

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (قصـص، آیه ۱۶) پروردگارا! من به خویشـتن ستم کردم، مرا ببخش! خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است!

ص:۷۵

رهایی از ظالمین

رَبِّ نَجّنی منَ الْقَوْم الظَّالمینَ (قصص، آیه ۲۱) پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش.

هدایت به راه درست

عَسَی رَبّی أَنْ یَهْدیَنی سَوَاءَ السَّبیل (قصص، آیه ۲۲) امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!

خیر و نیکی

رَبِّ إنّی لمَا أَنْزَلْتَ إلَیَّ منْ خَیْرٍ فَقیرٌ (قصص، آیه ۲۴) پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!

شرح صدر

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری (طه، آیه ۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! سینه ام را گشاده کن.

زمینه سازی

وَیَسّرْ لی أَمْری (طه، آیه ۲۶) و کارم را برایم آسان گردان!

زبان گویا، بیان مردم پسند و قابل فهم

وَاحْلُلْ عُقْدَةً منْ لسَانی، یَفْقَهُوا قَوْلی(طه، آیات ۲۷ و ۲۸) و گره از زبانم بگشای،تا سخنان مرا بفهمند!

وزیر و دست یار مناسب

وَاجْعَلْ لی وَزیرًا منْ أَهْلی،هَارُونَ أَخی، اشْدُدْ به أَزْری، وَأَشْرِكْهُ فی أَمْری (طه، آیات ۲۹ تا ۳۲) و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را!، با او پشتم را محکم کن، و او را در کارم شریک ساز.

کمک در برابر دشمنان

قَالا رَبَّنَا إنَّنَا نَخَافُ أَنْ یَفْرُطَ عَلَیْنَا أَوْ أَنْ یَطْغَى (طه، آیه ۴۵) (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد) یا طغیان کند و نپذیرد.

نابودی سرمایه مستکبران

وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إنَّكَ آتَیْتَ فرْعَوْنَ وَمَلأَهُ زینَةً وَأَمْوَالا فی الْحَیَاه الدُّنْیَا رَبَّنَا لیُضلُّوا عَنْ سَبیلكَ رَبَّنَا اطْمسْ عَلَى أَمْوَالهمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبهمْ فَلا یُؤْمنُوا حَتَّى یَرَوُا الْعَذَابَ الألیمَ (یونس، آیه ۸۸) موسی گفت: پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می سازند، پروردگارا! اموال شان را نابود کن! و به جرم گناهان شان دل هایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند!

ص:۷۷

مغفرت و رحمت برای خود و وزیر خود

قَالَ رَبِّ اغْفرْ لی وَلأَخی وَأَدْخلْنَا فی رَحْمَتکَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحمینَ (اعراف، آیه ۱۵۱) (موسی) گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربان ترین مهربانانی!

مغفرت و رحمت

قَالَ رَبِّ لَوْ شئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ منْ قَبْلُ وَإِيَّایَ أَتُهْلكُنَا بمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ منَّا إنْ هیَ إلا فتْنَتُکَ تُضلُّ بهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدی مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلیُّنَا فَاغْفرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَیْرُ الْغَافرینَ (اعراف، آیه ۱۵۵) گفت: پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آن ها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آن چه سفیهان مان انجام داده اند مجازات و هلاک می کنی؟ این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست که هرکس را بخواهی (و مستحق بدانی) به وسیله آن گمراه می سازی و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می کنی! تو ولی مایی و ما را بیامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی.

حسنه دنیا و آخرت

وَ اكْتُبْ لَنَا فی هَذه الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفی الآخرَه إنَّا هُدْنَا إلَیْکَ (اعراف، آیه ۱۵۶) و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما. چه این که، ما به سوی تو بازگشت کرده ایم.

ص:۷۸

جدایی از تبهکاران

قَالَ رَبِّ إِنّی لا ـ أَمْلِکُ إلا نَفْسی وَأَخی فَافْرُقْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ الْقَوْم الْفَاسقینَ (مائده، آیه ۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! من جز اختیار خودم و برادرم را ندارم، میان ما و این قوم نافرمان جدایی انداز.

دعای ساحران ایمان آورده

استقامت، برخورداری از ایمان در حال مرگ

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَیْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلمینَ (اعراف، آیه ۱۲۶) بار الها! صبر و استقامتی بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبایان را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!

رهایی از فتنه ستم گران

فَقَالُوا عَلَی اللَّه تَوَکَّلْنَا رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا فتْنَةً للْقَوْم الظَّالمینَ، وَنَجّنَا برَحْمَتکَ منَ الْقَوْم الْکَافرینَ (یونس، آیات ۸۵ و۸۶) گفتند: تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجه (وسیله آزمایش) گروه ستم گر قرار مده! و ما را با رحمتت از (دست) قوم کافر رهایی بخش!

دعای بنی اسرائیل

رحمت و مغفرت

لَئنْ لَمْ یَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَیَغْفرْ لَنَا لَنَکُونَنَّ منَ الْخَاسرینَ (اعراف، آیه ۱۴۹) اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، به طور قطع از زیان کاران خواهیم بود.

دعاهای آسیه همسر فرعون

خانه ای در بهشت

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً للَّذینَ آمَنُوا امْرَأَه فرْعَوْنَ إذْ قَالَتْ رَبّ ابْن لی عنْدَکَ بَیْتًا فی الْجَنَّه (تحریم، آیه ۱۱) و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل زد در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز.

نجات از فرعون و نظام فرعونی

وَنَجّنی منْ فرْعَوْنَ وَعَمَله وَنَجّنی منَ الْقَوْم الظَّالمینَ (تحریم، آیه ۱۱) و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از این قوم ستم گر رهایی بخش!

دعاهای حضرت زکریا(ع)

نسلی پاکیزه

هُنَالکَ دَعَا زَکَریَّا رَبَّهُ قَالَ رَبّ هَبْ لی منْ لَدُنْکَ ذُرّیَّهً طَیّبَهً إنَّکَ سَمیعُ الدُّعَاء (آل عمران، آیه ۳۸) در آن جا و در آن وقت بود که زکریا

ص:۸۰

پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو شنوای دعایی.

نسلی ادامه دهنده راه، نسلی موردپسند تو

إِذْ نَادَی رَبَّهُ نِدَاءً خَفِیًّا، قَالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیْبًا وَلَمْ أَکُنْ بِدُعَائِکَ رَبِّ شَقِیًّا، وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَرَائِی وَکَانَت امْرَأَتِی عَاقِرًا فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا، یَرِثُنِی وَیَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا (مریم، آیات ۳ تا ۶) در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند، گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری، تمام سرم را فراگرفته و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده ام، و من از بستگان بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)! و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است. تو از نزد خود جانشینی به من ببخش، که وارث من و دودمان یعقوب باشد و او را مورد رضایتت قرار ده!

همراهان، ادامه دهنده راه

وَزَکَرِیَّا إِذْ نَادَی رَبَّهُ رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ (انبیاء، آیه ۸۹) و زکریا را (به یادآور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن) و تو بهترین وارثانی.

ص:۸۱

دعای حنّه مادر مریم

قبولی نذر

إذْ قَالَت امْرَأَهُ عمْرَانَ رَبّ إنّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فی بَطْنی مُحَرَّرًا فَتَقَبّلْ منّی إنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ (آل عمران، آیه ۳۵) (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: خداوندا! آن چه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی!

دعای حضرت عیسی(ع)

سفره ای آسمانی

قَالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزلْ عَلَیْنَا مَائدَةً منَ السَّمَاء تَکُونُ لَنَا عیدًا لأوَّلنَا وَآخرنَا وَآیَةً منْکَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَیرُ الرَّازقینَ (مائده، آیه ۱۱۴) عیسی بن مریم عرض کرد: خداوندا! ای پروردگار ما! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اولین و آخرین ما، عیدی باشد، و نشانه ای از جانب تو و به ما روزی ده! که تو بهترین روزی دهندگانی.

دعای حواریون حضرت عیسی (ع)

پیروی پیامبر

رَبَّنَا آمَنَّا بمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهدینَ (آل عمران، آیه ۵۳) پروردگارا! به آن چه نازل کرده ای؛ ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم; ما را در زمره گواهان بنویس!

ص:۸۲

دعای مجاهدان مسلمان

بخشش گناهان، گام های استوار

رَبَّنا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَإِسْرافَنا فی أَمْرِنا وَثَبِّتْ أَقْدامَنا وَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرینَ (آل عمران، آیه۱۴۷) پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی ما را در کارمان بر ما ببخش و قدم های ما را استوار بدار! و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان!

دعای برادران خسارت دیده

بازگرداندن نعمت

قالُوا سُبْحانَ رَبِّنا إِنَّا کُنَّا ظالِمینَ، فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلی بَعْضٍ یَتَلاوَمُونَ، قالُوا یا وَیْلَنا إِنَّا کُنَّا طاغینَ، عَسی رَبُّنا أَنْ یُبْدِلَنا خَیْرًا مِنْها إِنَّا إِلی رَبِّنا راغِبُونَ (قلم، آیات ۲۹ تا ۳۲) گفتند: پروردگار ما منزه است، مسلماً ما ظالم بودیم! پس روبه یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، و فریادشان بلند شد، گفتند: وای بر ما که طغیان گر و سرکش بودیم، امید است که پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد که ما به سوی پروردگارمان مشتاقیم.

دعاهای پیامبر اسلام (ص)

داوری بین مردم

قُلِ اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ أَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ عِبادِکَ فی ما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ (زمر، آیه۴۶) بگو: خداوندا، ای آفریننده آسمان ها و زمین و

آگاه از اسرار و نهان و آشکار، تویی که در میان بندگانت در آن چه (در دنیا) اختلاف می کردند (در عالم آخرت) داوری خواهی کرد.

قَالَ رَبِّ احْكُمْ بالْحَقّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصفُونَ (انبیاء، آیه ۱۱۲) (و پیامبر)، گفت: پروردگارا! به حق داوری فرما (و این طغیان گران را کیفر ده)! و پروردگار ما (خداوند) رحمان! است که در برابر نسبت های ناروای شما، از او استمداد می طلبم.

مغفرت و رحمت

وقُلْ رَبِّ اغْفرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحمينَ (مومنون، آیه ۱۱۸) و بگو: پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن و تو بهترین رحم کنندگانی!

افزایش علم

وَقُلْ رَبِّ زدْنی علْمًا (طه، آیه ۱۱۴) پروردگارا! بر دانش من بیافزای

ورود و خروج درست

وَقُلْ رَبِّ أَدْخلْنی مُدْخَلَ صدْقٍ وَأَخْرجْنی مُخْرَجَ صدْقٍ وَاجْعَلْ لی منْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصيرًا (اسراء، آیه۸۰) و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز، و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!

ص:۸۴

رحمت بر والدین

وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیانی صَغیرًا (اسراء، آیه ۲۴) و بگو: پروردگارا! همان طور که آن ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت شان قرار ده!

دعای مسیحیان تازه مسلمان

یاری اسلام

وَإِذَا سَمعُوا مَا أُنْزلَ إلَی الرَّسُول تَرَی أَعْیُنَهُمْ تَفیضُ منَ الدَّمْع ممَّا عَرَفُوا منَ الْحَقّ یَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهدینَ، وَمَا لَنَا لا نُؤْمنُ بالله وَمَا جَاءَنَا منَ الْحَقّ وَنَطْمَعُ أَنْ یُدْخلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْم الصَّالحینَ (مائده، آیات ۸۳ و۸۴) و هر زمانی آیاتی بر پیامبر (اسلام) نازل شد بشنوند، چشمهای آن ها را می بینی که (از شوق) اشک می ریزد به خاطر حقیقتی که دریافته اند، آن ها می گویند: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس، چرا ما به خدا و آن چه به ما رسیده است، ایمان نیاوردیم در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد.

دعای مستضعفان ستمدیده

نجات از محیط آلوده به ظلم

وَمَا لَکُمْ لا تُقَاتلُونَ فی سَبیل اللَّه وَالْمُسْتَضْعَفینَ منَ الرّجَال وَالنّسَاء وَالْولْدَان الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرجْنَا منْ هَذه الْقَرْیَه الظَّالم أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا منْ لَدُنْکَ وَلیًّا وَاجْعَل لَنَا منْ لَدُنْکَ نَصیرًا (نساء، آیه ۷۵) چرا در راه

خـدا، نبرد نمی کنیـد؟ و (نیز) در راه (رهـایی) مستضـعفان از مردان و زنان و کودکانی که می گوینـد: پروردگارا ما را از این شهر که مردمش ستم گرند رهایی بخش و از سوی خود برای ما سرپرستی بگذار و از سوی خود برای ما یاوری بگمار.

دعاهای فرشتگان

مغفرت برای توبه کنندگان

الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بحَمْد رَبّهمْ وَیُؤْمنُونَ به وَیَسْتَغْفرُونَ للَّذینَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسعْتَ كُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَعلْمًا فَاغْفرْ للَّذینَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبیلَكَ وَقهمْ عَذَابَ الْجَحیم (غافر، آیه۷) فرشـتگانی که حاملان عرشـند و آن ها که گرداگرد آن (طواف می کننـد)، تسبیـح و حمـد پروردگارشـان را می گوینـد و به او ایمـان دارنـد و برای مؤمنان اسـتغفار می کننـد (و می گوینـد:) پروردگـارا! رحمت و علم تـو همه چیز را فراگرفته است، پس کسـانی را که تـوبه کرده و راه تو را پیروی می کننـد، بیامرز و آنان، را از عذاب دوزخ نگاه دار!

بهشت برای رهروان راه خدا

رَبَّنَا وَأَدْخلْهُمْ جَنَّات عَدْنٍ الَّتی وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ منْ آبَائهمْ وَأَزْوَاجهمْ وَذُرّیَّاتهمْ إنَّكَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَكیمُ (غـافر، آیه ۸) پروردگـارا! آن هـا را در بـاغ هـای جاویـدان بهشت که به آن ها وعـده فرموده ای، وارد کن، هم چنین از پـدران، همسـران و فرزندانشان هرکدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی!

ص:۸۶

دوری از بدی ها

وَقِهِمُ السَّیِّئَات وَمَنْ تَقِ السَّیِّئَات یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (غافر، آیه ۹) و آنان، را از بدی ها نگاه دار، و هرکس را که در آن روز از بدی ها نگاه داری، مشمول رحمتت ساخته ای و این است همان رستگاری عظیم!

دعای خردمندان

رهایی از آتش

إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ لآیَاتٍ لأُولِی الأَلْبَابِ، الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلا سُبْحَانَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، رَبَّنَا إِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَنْصَارٍ (آل عمران، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۲) مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. همانا که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند. (و می گویند:) بارالها! این ها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار! پروردگارا! هرکه را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای و برای افراد ستم گر هیچ یاوری نیست!

بخشش گناهان، پوشش بدی ها، مردن با خوبان

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ (آل عمران، آیه ۱۹۳) پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد. که: به پروردگار خود، ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن ها) بمیران!

تحقق وعده پیامبران

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل عمران، آیه ۱۹۴) پروردگارا! آن چه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی.

دعای پرهیزکاران

بخشش گناهان

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالأَسْحَارِ (آل عمران، آیات ۱۶ و ۱۷) همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده ایم. پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگاه دار، آن ها که (در برابر مشکلات و در مسیر اطاعت و ترک گناهان) استقامت

می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند و در سحرگاهان استغفار می کنند.

دعای دو گروه از مردم

فقط دنیا

فَمِنَ النَّاس مَنْ یَقُولُ رَبَّنَا آتنَا فی الـدُّنْیَا وَمَا لَهُ فی الآخرَه منْ خَلاقٍ (بقره، آیه۲۰۰) برخی از مردم می گوینـد: پروردگارا به ما در دنیا (نعمت) ده و آنان را در آخرت نصیبی نیست.

هم دنیا، هم آخرت

وَمنْهُمْ مَنْ یَقُولُ رَبَّنَا آتنَا فی الـدُّنْیَا حَسَنَهً وَفی الآخرَه حَسَنَهً وَقنَا عَذَابَ النَّار (بقره، آیه ۲۰۱) و بعضی از آنـان می گوینـد: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن! و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار!

دعای مومنان راستین

مغفرت

آمَنَ الرَّسُولُ بمَا أُنْزلَ إلَیْه منْ رَبّه وَالْمُؤْمنُونَ کُلٌّ آمَنَ باللَّه وَمَلائکَته وَکُتُبه وَرُسُله لا نُفَرّقُ بَیْنَ أَحَدٍ منْ رُسُله وَقَالُوا سَمعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَإلَیْکَ الْمَصیرُ (بقره، آیه ۲۸۵) پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شـده ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و

ص:۸۹

فرشتگان او و کتاب ها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند) ما درمیان هیچ یک از پیامبران، او، فرق نمی گذاریم، (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.

عدم مواخذه در فراموشی ها و اشتباهات

لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا (بقره، آیه ۲۸۶) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی کند، (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم؛ ما را مؤاخذه مکن!

معافیت از تکالیف سخت

رَبَّنَا وَلا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلا تُحَمِّلْنَا مَا لا طَاقَةَ لَنَا بِهِ (بقره، آیه ۲۸۶) پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا، آن چه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار.

بخشش، رحمت و نصرت

وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره، آیه ۲۸۶) و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت

ص:۹۰

خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

دعای دانشمندان

بقاء بر هدایت

رَبَّنَا لا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا منْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران، آیه ۸) (راسخان در علم، می گویند:) پروردگارا! دل هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای!

دعای مهاجران و انصار

کنیه نداشتن

رَبَّنَا اغْفرْ لَنَا وَلإِخْوَاننَا الَّذينَ سَبَقُونَا بالإِيمَان وَلا تَجْعَلْ فی قُلُوبنَا غلا للَّذينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحيمٌ (حشر، آیه۱۰) پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی، گرفتند بیامرز و در دل هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!

دعای چهل ساله ها

شکر نعمت، عمل صالح و نسل صالح

حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْكُرَ نعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلحْ لی فی

ذُرِّيَّتی إِنّی تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنّی مِنَ الْمُسْلِمينَ (احقاف، آیه ۱۵) تا آن گاه که به کمال نیروی (جسمی و عقلی) خود و به چهل سالگی رسید گفت: پروردگارا، مرا الهام کن و توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای (نعمت ظاهری مادی و نعمت معنوی عقل و ایمان) شکرگزار باشم، و به کار شایسته ای که رضایت و خشنودی تو در آن است موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان، بارالها! من به درگاه تو بازآمدم و از مسلمانانم.

دعاهای عبادالرحمن

رهایی از آتش

وَالَّذینَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (فرقان، آیه ۶۵) و آنان می گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذاب آن پیوسته و بر دوام است!

نسلی مایه افتخار، نسلی الگو

وَالَّذینَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا منْ أَزْوَاجنَا وَذُرِّيَّاتنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا للْمُتَّقينَ إِمَامًا (فرقان، آیه ۷۴) و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

دعای مومنان در قیامت

درخشش بیش تر

رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (تحریم، آیه ۸) پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هرچیز توانایی!

دعای اهل اعراف

دوری از ستم گران

وَ بَیْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الأَعْرَافِ رِجَالٌ یَعْرِفُونَ کُلًا بِسِیمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّه أَنْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ لَمْ یَدْخُلُوهَا وَهُمْ یَطْمَعُونَ، وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَاب النَّار قَالُوا رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْم الظَّالمینَ (اعراف، آیات ۴۶ و ۴۷) و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حجاب و حایلی است و بر کنگره های آن حجاب مردانی هستند (از معصومین و اولیاء حق) که هر گروهی را به سیماشان می شناسند، و آنان به اهل بهشت ندا می دهند که سلام بر شما بهشتیانی که هنوز وارد آن نشده اند و امید آن را دارند و چون چشمانشان به سوی اهل آتش برگردانده شود، گویند: پروردگارا ما را با گروه ستم کاران قرار مده.

دعای اهل جهنم

رهایی از جهنم

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَیْنَا شقْوَتُنَا وَکُنَّا قَوْمًا ضَالّینَ، رَبَّنَا أَخْرجْنَا منْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالمُونَ (مؤمنون، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷) پروردگارا! سنگ

ص:۹۳

دلی ما بر ما چیره بود و ما قومی گمراه بودیم! پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آور، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمکاریم (و مستحق عذاب)!

دعاهای اهل بهشت

سپاس برای تحقق وعده الهی

وَقَالُوا الْحَمْدُ للَّه الَّذی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الأرْضَ نَتَبَوَّأُ منَ الْجَنَّه حَیْثُ نَشَاءُ فَنعْمَ أَجْرُ الْعَاملینَ (زمر، آیه ۷۴) آن ها می گویند: حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) در میراث ما قرار داد که هرجا را بخواهیم منزل گاه خود قرار دهیم، چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!

سپس برای هدایت

وَقَالُوا الْحَمْدُ للَّه الَّذی هَدَانَا لهَذَا وَمَا کُنَّا لنَهْتَدیَ لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبّنَا بالْحَقّ وَنُودُوا أَنْ تلْکُمُ الْجَنَّهُ أُورثْتُمُوهَا بمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (اعراف، آیه۴۳) و می گویند: ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به این ها)، راه نمی یافتیم! مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند! و (در این هنگام) به آنان، ندا داده می شود که: این بهشت، را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!

۴- احساس پناه جویی

اشاره

انسان تواناترین مخلوق خداست و خداوند استعدادی در درون او قرار داده که می تواند هستی را تحت سیطره خود درآورد و مورد بهره برداری قرار دهد، از گیاهان استفاده کند، حیوانات را رام خویش کند و با کشف قوانین حاکم بر طبیعت، طبیعت را مسخر خویش کند.

اما علی رغم همه توانایی ها آسیب پذیر نیز هست؛ نقاط ضعف بسیار دارد. خطرهایی او را تهدید می کند که به هنگام هجوم خطرات نیازمند پناه گاه است پناه گاهی آگاه، مطمئن، مقتدر و مهربان، خداوند می فرماید: ای انسان آن پناهگاه منم وقتی با خطر روبه رو شدی آغوش رحمت من به رویت گشوده است به خودم پناه ببر دستت را می گیرم و از نابودی نجات می دهم فقط کافی است مرا صدا بزنی و از من کمک بخواهی پاسخ مرا خواهی شنید.

احساس پناه جویی در فطرت تمام انسان ها هست، حتی کافران. قرآن می فرماید: کافران وقتی در طوفان دریا گرفتار می شوند از

روی اخلاص خدا را صدا می زنند. اما وقتی به ساحل نجات رسیدند دوباره سراغ غیر خدا می روند.

وقتی انسان در محاصره خطر گرفتاری می شود در صحرا باشد یا دریا، در هوا باشد یا زمین، در دلش روزنه امیدی است که یکی هست مرا کمک کند، مرا نجات دهد آری آن قدرت خداوند یکتاست.

نماز وسیله ای است برای درخواست کمک از خدای حی قدیر، خدایی که بندگانش را می بیند و از مشکلات آنان باخبر است و قدرت دفع خطر از آنان را دارد و چون بندگانش را دوست دارد، از روی مهرش خطر را از آنان دور می کند.

برای پرورش این احساس چه کنیم؟ برای این که این احساس مدفون نشود، گرد و غبار نگیرد ما می توانیم با شمارش خطرات و نمایش خطرها این احساس را با نشاط و سرزنده نگه داریم. وقتی با دنیای خطرها و گستردگی و تنوع آن ها آشنا می شویم بیش تر حس می کنیم که به خدا محتاجیم.

خطرهای مادی و معنوی، خطرهای جسمی و روحی، خطرهای فردی و اجتماعی، خطرهای دنیایی و آخرتی، خطرهای منتظره و غیر منتظره.

آری طرح پیشنهادی انبیاء این است: شمارش خطرها، نمایش خطرها.

ص:۹۶

قرآن کریم دو بار در سوره مبارکه بقره به مومنان می فرماید: در مشکلات و سختی ها از صبر و نماز کمک بگیرید «اسْتَعینُوا بالصَّبْرِ وَالصَّلاه». معلوم می شود که نماز پشتوانه و پشتیبان ما در زندگی است. فقط باید این دستگیره مطمئن را باور کنیم تا از خطرات مصون بمانیم واژه عوذ و مشتقات آن، بارها و بارها در قرآن کریم و صدها و صدها بار در احادیث و دعاهای پیامبر عزیز اسلام و ائمه معصومین آمده. وقتی این واژه را در آیات قرآن و احادیث پی می گیریم با طوماری از خطرها روبه رو می شویم که نسبت به بسیاری از آن ها غافل هستیم.

خطرها آن قدر جدی و مهلک هستند که خداوند به بزرگ ترین بنده خود، یعنی پیامبر اسلام(ص) امر می کند که تو هم بگو پناه می برم فکر نکن از خطرات در امانی.

بسْم اللَّه الرَّحْمَن الرَّحیم

قُلْ أَعُوذُ برَبِّ النَّاس (۱) مَلک النَّاس (۲) إلَه النَّاس (۳) منْ شَرِّ الْوَسْوَاس الْخَنَّاس (۴) الَّذی یُوَسْوسُ فی صُدُور النَّاس (۵) من الجنَه والناس (۶) (سوره الناس) بگو پناه می برم به پروردگار مردم. به مالک و حاکم مردم. به معبود مردم از شر وسوسه گر پنهان که درون سینه های مردم وسوسه می کند خواه جنی یا انسی.

بسْم اللَّه الرَّحْمَن الرَّحیم

قُلْ أَعُوذُ برَبِّ الْفَلَق (۱)منْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَ منْ شَرِّ غَاسقٍ إذَا وَقَبَ (۳) وَ منْ شَرِّ النَّفَّاثَات فی الْعُقَد (۴) وَ منْ شَرِّ حَاسدٍ إذَا حَسَدَ (۵)

(سوره الفلق) بگو پناه ببرم به خدای سپیده صبح، از شر تمام آن چه آفریده است و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود و از شر آن ها که با افسون در گره ها می دمند (و تصمیم ها را سست می کنند) و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد.

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِين، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُون (مومنون، آیات ۹۷ و ۹۸) بگو پناه می برم به تو از وسوسه های شیطان ها و پناه می برم به تو وقتی حضور پیدا می کنند.

قوی ترین انسان ها گاهی با یک بیماری از پای می افتند. یک خطر کوچک جزئی جسمی، تا چه رسد به خطرهای روحی و فکری و اجتماعی.

شاه کار نماز این است که قدرت انسان را بالا می برد و مقاومت انسان را تقویت می کند.

به انسان قوت قلب می دهد وقتی به پشتیبانی سرچشمه قدرت ها یعنی پروردگار عالم دل گرم می شود قدرتی صدچندان پیدا می کند وقتی می بیند در میدان تنها نیست، امید پیدا می کند و بر مشکل غلبه پیدا می کند.

کسانی که مایلند به اقامه نماز عمق ببخشند، یکی از برنامه های مهمشان باید خطر شماری باشد. انسان تا زمانی که از خطرات غافل است، مغرور می شود به پول، قدرت، پست و موقعیت خود، به دانش و تجربه خود می بالد و گاهی به زبان هم می آورد که بی نیاز به نماز است؛ اما وقتی با دنیای خطرها آشنا می شود، احساس خطر

جدی می کند و به دنبال پناهگاه حقیقی می گردد و با تمام وجود، فریاد الغوث الغوث او بلند می شود.

رسول خدا(ص) به ابوذر غفاری فرمود: می دانی چه نمازی از همه نمازها بهتر است، نمازی که قنوتش طولانی تر باشد. ما در قنوت حالت تضرع، توسل، التماس، استمداد استعانه پیدا می کنیم و این صحنه زیبای نماز است. امام صادق(ع) به یکی از اصحابش فرمود: اگر در قنوت نمازت به گریه افتادی، به من دعا کن. معلوم می شود این حالت کمک خواهی از خدا و پناه بردن به دامن کبریایی خداوند، لحظه زیبا و گران بهایی است. قرآن می فرماید:

وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (فصلّت، آیه ۳۶) هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه ببر که او شنونده و داناست. حتی وقتی به قصد قرائت قرآن می خوانی، شیطان به سراغت می آید، همانا به خدا پناه ببر.

مسئله پناهندگی فطری است، بزرگ و کوچک، زن و مرد، باسواد و بی سواد فقیر و غنی به محض احساس خطر به جایی یا کسی پناه می برند. منتهی موضوع مهم این است که از چه پناه ببریم خطر اصلی چیست؟ گاهی از چیزهایی پناه می بریم که واقعاً خطر مهمی نیستند و خطرهای بزرگی در کمین ماست ولی هیچ نگرانی نداریم. الآن اگر در کشور ما پنیر کم شود، همه فریاد می زنند پنیر کم است، اما وقتی بشنوند بیش از ده میلیون بی سواد در کشور زندگی می کنند، فریاد نمی زنند.

تیم مورد علاقه اش می بازد، جیغ می کشد؛ اما نماز صبحش قضا می شود ولی ناراحت نیست. درد دندان می گیرد همه مطلع می شوند، اما روحش آسیب دیده و به حسد مبتلا شده، احساسی ندارد. در مقابل جنگ سخت بسیج می شویم در مقابل جنگ نرم]که حساس هستیم[، احساس خطر زیادی نمی کنیم. باید از طریق قرآن و پیامبر و رهبران آسمانی با خطرها آشنا شویم و از شر آن ها به خدا پناه ببریم. گاهی دشمن مثل گرگی که در قصه های قدیمی می گفتند، به سراغ ما می آید و برای این که وحشت نکنیم، پوست میش می پوشد و صدای خود را عوض می کند، تا ما را به اشتباه بیاندازد؛ این ما هستیم که باید هوشیار باشیم.

رسول خدا(ص) بعد از هر نماز عصری، از این خطرها به خدا پناه می برد.

«اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ» خدایا به تو پناه می برم، از نفسی که سیرایی ندارد (حریص است).

«وَ مِنْ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ» و از قلبی که خشوع و فروتنی ندارد.

«وَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ» و از دانشی که سودی ندارد.

«وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ» و از نمازی که بالا نمی رود.

«وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَع» و از دعایی که شنیده نمی شود. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص۹۳)

ص:۱۰۰

خطر شماری را هم باید از اولیاء بیاموزیم. در دعا می خوانیم: «أَعُوذُ بِاللَّه مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّه (ص) وَ عَلِیٌّ (ع) وَ الْأَوْصِیَاء» (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۲)

خدایا به تو پناه می برم از آن چه پیامبر و علی و اوصیاء از آن پناه می بردند.

دعای پناه جویی (استعاذه) (دعای هشتم صحیفه):

در دعای هشتم صحیفهٔ سجادیه، که آشنایی با این خطرها روح پناهندگی را در ما تقویت می کند، امام سجاد(ع) از این خطرها به خداوند بزرگ پناه برده است.

اللَّهُمَّ إِنیّ أَعُوذُ بِکَ، خدایا به تو پناه می برم:

۱- مِنْ هَیَجَانِ الْحِرْصِ، از هیجان و شر و شور حرص

۲- وَ سَوْرَه الْغَضَبِ، و هجوم و تندی خشم

۳- وَ غَلَبَه الْحَسَدِ، و تسلط حسد

۴- وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، و ناتوانی شکیبایی (کم صبری)

۵- وَ قِلَّه الْقَنَاعَه، و اندک بدون قناعت

۶- وَ شَکَاسَه الْخُلُقِ، وبدی اخلاق

۷- وَ إِلْحَاحِ الشَّهْوَه، و افراط در شهوت

۸- وَ مَلَکَه الْحَمِیَّه، و حاکمیت تعصب

۱- وَ مُتَابَعَه الْهَوَی، و پیروی از هوس

۱۰- وَ مُخَالَفَه الْهُدَی، مخالفت با هدایت

۱۱- وَ سِنَه الْغَفْلَه، و فرو رفتن به خواب غفلت

۱۲- وَ تَعَاطِی الْکُلْفَه، و انجام کارهای سخت (که به عهده انسان نیست)

۱۳- وَ إِیثَار الْبَاطِل عَلَی الْحَقّ، و ترجیح دادن باطل بر حق

۱۴- وَ الْإِصْرَار عَلَی الْمَأْثَم، و اصرار بر گناه.

۱۵- وَ اسْتِصْغَار الْمَعْصِیَه، و کوچک شمردن گناه

۱۶- وَ اسْتِکْبَار الطَّاعَه، و بزرگ شمردن طاعت

۱۷- وَ مُبَاهَاه الْمُکْثِرِینَ، و از به خود بالیدن و فخر فروشی با توانگران

۱۸- وَ الْإِزْرَاء بِالْمُقِلِّینَ، و خوار شمردن بینوایان

۱۹- وَ سُوء الْوِلَایَه لِمَنْ تَحْتَ أَیْدِینَا، و از بدرفتاری با زیردستان (مدیریت بد)

۲۰- وَ تَرْک الشُّکْر لِمَن اصْطَنَعَ الْعَارِفَهَ عِنْدَنَا، و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است

۲۱- أَوْ أَنْ نَعْضُدَ ظَالِماً، یا از این که به ظالمی کمک کنم

۲۲- أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفاً، یا این که ستمدیده ای را خوار سازم

۲۳- أَوْ نَرُومَ مَا لَیْسَ لَنَا بِحَقٍّ، یا آن چه حق ما نیست بخواهید

۲۴- أَوْ نَقُولَ فِی الْعِلْم بِغَیْر عِلْمٍ، یا از روی بی دانشی، سخنی در دانش گوییم

۲۵- وَ نَعُوذُ بِکَ أَنْ نَنْطَوِیَ عَلَی غِشّ أَحَد، و پناه می بریم به تو از این که خیال فریب کسی را در دل بپروری

۲۶- وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا،و از کردار خویش دچار خودپسندی شوی

ص:۱۰۲

۲۷- وَ نَمُدَّ فی آمَالِنَا، و آرزوهامان را دراز کنیم

۲۸- وَ نَعُوذُ بکَ منْ سُوء السَّریرَه، و به تو پناه می بریم از سیرت و باطن زشت

۲۹- وَ احْتقَار الصَّغیرَه، و کوچک شمردن گناه کوچک

۳۰- وَ أَنْ یَسْتَحْوذَ عَلَیْنَا الشَّیْطَانُ، و از این که شیطان بر ما چیره شود

۳۱- أَوْ یَنْکُبَنَا الزَّمَانُ، یا روزگار ما را بدبخت کند

۳۲- أَوْ یَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ، یا پادشاه برما ستم کند.

۳۳- وَ نَعُوذُ بکَ منْ تَنَاوُل الْإسرَاف، و پناه می بریم به تو از اسراف کاری

۳۴- وَ منْ فقْدَان الْکَفَاف، و نیافتن روزی به اندازه نیاز

۳۵- وَ نَعُوذُ بکَ منْ شَمَاتَه الْأَعْدَاء، و به تو پناه می بریم از شادکامی و سرزنش دشمنان

۳۶- وَ منَ الْفَقْر إلَی الْأَکْفَاء، و از احتیاج به همنوعان

۳۷- وَ منْ مَعیشَهٍ فی شدَّهٍ، و از تنگنای معیشت

۳۸- وَ میتَهٍ عَلَی غَیْر عُدَّهٍ، و از مردن بدون آمادگی و توشه

۳۹- وَ نَعُوذُ بکَ منَ الْحَسْرَه الْعُظْمَی، و به تو پناه می بریم از افسوس و حسرت بزرگ

۴۰- وَ الْمُصیبَه الْکُبْرَی، و مصیبت بزرگ

۴۱- وَ أَشْقَی الشَّقَاء، و از بدترین شوربختی

۴۲- وَ سُوء الْمَآب، و عاقبت بد

۴۳- وَ حرْمَان الثَّوَاب، و محروم شدن از ثواب

ص:۱۰۳

۴۴- وَ حُلُول الْعِقَاب، و گرفتارشدن به عقاب و عذاب

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آله، وَ أَعِذْنی منْ کُلِّ ذَلکَ برَحْمَتکَ وَ جَمیعَ الْمُؤْمنینَ وَ الْمُؤْمنَات، یَا أَرْحَمَ الرَّاحمینَ، بارخدایا، بر محمد و آلش درود بفرست و به رحمت خویش مرا و همه مردان و زنان مومن را از آن چه گفته شد پناه ده.

خطرات مرگ های ناگوار

در دعا می خوانیم: اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بدرْعکَ الْحَصینَه وَ أَعُوذُ بجَمْعکَ أَنْ تُمیتَنی غَرَقاً أَوْ حَرَقاً أَوْ شَرَقاً أَوْ قَوَداً أَوْ صَبْراً أَوْ مَسَمّاً أَوْ تَرَدّیاً فی بئْرٍ أَوْ أَکیلَ السَّبُع أَوْ مَوْتَ الْفَجْأَه أَوْ بشَیْ ءٍ منْ میتَات السَّوْء (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۵) بارخدایا پناه می برم به جوشن نگه دارندهٔ تو و پناه می برم به وابستگی به حضرتت، از این که مرا بمیرانی به وسیله: غرق شدن در آب، یا سوختنی در آتش، یا گلوگیر شدن، یا به قصاص، یا دست بسته به دست دشمن، یا به زهر خوردن، یا پرت شدن، یا در چاه افتادن، یا طعمه درندگان شدن، یا مرگ ناگهانی و یا به هریک از مرگ های ناگوار.

خطرات طبیعی

۱- بادهای آسیب رسان

أَعُوذُ بکَ منْ شَرّ مَا تَأْتی به الرّیَاح، خدایا به تو پناه می برم از شر آسیب هایی که بادها می آورند.

۲- حیوانات درنده و حشرات

أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرّ کُلّ سبع، پناه می برم به تو از شر هر درنده

أَعُوذُ بـاللَّه مِنْ شَـرّ کُـلّ أَسَـدٍ وَ أَسْوَدَ وَ حَیَّهٍ وَ عَقْرَب (مسـتدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۴۴)، پناه می برم به خدا از شـر شـیر و سیاهی و مار و عقرب.

إنّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَـرّ مَنْ یَمْشـی عَلَی بَطْنه وَ مِنْ شَرّ مَنْ یَمْشی عَلَی رِجْلَیْن وَ مِنْ شَرّ مَنْ یَمْشی عَلَی أَرْبَعٍ وَ مِنْ شَرّ کُلّ ذی شَرٍّ وَ مِنْ شَرّ کُلّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخذٌ بِنَاصِیَتِهَا (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۹۸)، پناه می برم به تو از شر حیواناتی که بر شکم راه می رونـد (خزنـدگان) و از شـر حیواناتی که با دوپا راه می روند و از شـر حیواناتی که با چهار پا راه می روند و از شـر هر موجود خطرناکی و از هر جنبنده ای که جانش به دست توست.

خطرات اجتماعی

همسایه بد

أَعُوذُ بـاللَّه مِنْ جَار السَّوْء فی دَار إقَامَهٍ تَرَاکَ عَیْنَاهُ وَ یَرْعَاکَ قَلْبُهُ إنْ رَآکَ بخَیْرٍ سَاءَهُ وَ إنْ رَآکَ بشَـرٍّ سَـرَّهُ (الکافی، ج ۲، ص ۶۶۹) پناه می برم به خداونـد از همسایه بـد در وطن. چشـمانش تو را می بیند و دلش مراقب توست آن گاه که به خوبی به تو رسد ناراحت می شود و زمانی که بدی رسد شاد می شود.

ص:۱۰۵

مسافرت بد

اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاء السَّفَر وَ کَآبَه الْمُنْقَلَب وَ سُوء الْمَنْظَر فی الْأَهْل وَ الْمَال وَ الْوَلَد (الکافی، ج ۴، ص ۲۸۴) خدایا به تو پناه می برم از رنج سفر و سفر اندوه بار و دیدن روز بد در میان خانواده و ثروت و فرزند.

ستم کردن، مورد ستم واقع شدن

اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَظْلمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحماً أَوْ أُوذیَ جَاراً (الکافی، ج۴، ص ۴۶۷) خدایا به تو پناه می برم از این که ظلم کنم یا ظلم بپذیرم یا رابطه ام را با خویشان قطع کنم و یا همسایه ای را بیازارم.

همسر بد

أَعُوذُ بِکَ من امْرَأَهٍ تُشَیِّبُنی قَبْلَ مَشیبی (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۶) خدایا به تو پناه می برم از همسری که قبل از پیرشدن پیرم کند.

فتنه های گمراه کننده

اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ مَضَلَّات الْفتَن (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۷) پناه می برم به تو از فتنه های گمراه گر.

ترس در بحران ها، ضعف در میدان های مسابقه

أَعُوذُ بِکَ عِنْدَ ذَلکَ منَ الْجُبْن عنْدَ مَوَارد الْأَهْوَال وَ منَ الضَّعْف عنْدَ مُسَاوَرَه الْأَبْطَال (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۶) پناه می برم به تو از ترس

ص:۱۰۶

در بحران ها و خطرها و از ناتوانی به هنگام روبه رو شدن با قدرتمندان.

خطر گناهان

هرگناهی اثری خاص در شخصیت و روند تکاملی انسان می گذارد، مثل امراض که هر مرض به بخشی از ساختمان بدن انسان آسیب می رساند. فقط به یک حدیث در این زمینه نظر شما را جلب می کنیم.

۱- گناهانی که کیفر الهی را به دنبال دارد. أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُحْدثُ النّقَمَ.

۲- گناهانی که باعث پشیمانی می شود. وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُورثُ النَّدَمَ.

۳- گناهانی که قسمت انسان را تنگ می کند. وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَحْبسُ الْقسَمَ.

۴- گناهانی که پرده های حیای بین انسان و خدا را پاره می کند. وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَهْتکُ الْعصَمَ.

۵- گناهانی که مانع قضاء الهی می شود. وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَمْنَعُ الْقَضَاءَ.

۶- گناهانی که زمینه نزول بلاء می شود. وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُنْزلُ الْبَلَاءَ.

ص:۱۰۷

۷- گناهانی که دشمنان را حاکم می کند. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذَّنُوب الَّتی تُدیلُ الْأَعْدَاءَ.

۸- گناهانی که مانع استجابت می شود. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَحْبسُ الدُّعَاءَ.

۹- گناهانی که مرگ انسان را زودرس می کند. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُعَجّلُ الْفَنَاءَ.

۱۰- گناهانی که رشته امید انسان را قطع می کند. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَقْطَعُ الرَّجَاءَ.

۱۱- گناهانی که بدبختی می آورد. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُورثُ الشَّقَاءَ.

۱۲- گناهانی که هوا را آلوده می کند. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تُظْلمُ الْهَوَاءَ.

۱۳- گناهانی که پرده ها را کنار می زند. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَكْشفُ الْغطَاءَ

۱۴- گناهانی که مانع نزول باران می شود. وَ أَعُوذُ بکَ مِنَ الذُّنُوب الَّتی تَحْبسُ غَيْثَ السَّمَاء. (تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۹۵)

ص:۱۰۸

خطرهای اخلاقی و درونی

۱- اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بکَ منْ شَرّ نَفْسی (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۲)، بارالها از شر خودم به تو پناه می برم.

۲- در دعا می خوانیم: اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بکَ منَ الْکَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْهَمّ وَ الْحُزْن وَ الْجُبْن وَ الْبُخْل وَ الْغَفْلَه وَ الْقَسْوَه وَ الذّلَّه وَ الْمَسْکَنَه وَ الْفَقْر وَ الْفَاقَه وَ کُلّ بَلیَّهٍ وَ الْفَوَاحش ما ظَهَرَ منْها وَ ما بَطَن (بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۹۲) خدایا به تو پناه می برم از بی نشاطی، سستی، غصه، افسردگی، ترس، بخل، غفلت، سنگدلی، ذلت، بدبختی، فقر و نداری و هر بلایی و از زشتیها پیداو پنهان آن ها.

۳- دعای بعد از نماز صبح: اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بکَ منَ الْهَمّ وَ الْحَزَن وَ الْعَجْز وَ الْکَسَل وَ الْبُخْل وَ الْجُبْن وَ ضَلَع الدَّیْن وَ غَلَبَه الرّجَال وَ بَوَار الْأَیّم وَ الْغَفْلَه وَ الذّلَّه وَ الْقَسْوَه وَ الْعَیْلَه وَ الْمَسْکَنَه وَ أَعُوذُ بکَ منْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ منْ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَ منْ عَیْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ منْ دُعَاءٍ لَا یُسْمَعُ وَ منْ صَلَاهٍ لَا تَنْفَعُ وَ أَعُوذُ بکَ من امْرَأَهٍ تُشَیّبُنی قَبْلَ أَوَان مَشیبی وَ أَعُوذُ بکَ منْ وَلَدٍ یَکُونُ عَلَیَّ ربَاءً وَ أَعُوذُ بکَ منْ مَالٍ یَکُونُ عَلَیَّ عَذَاباً وَ أَعُوذُ بکَ منْ صَاحب خَدیعَهٍ إنْ رَأَی حَسَنَهً دَفَنَهَا وَ إنْ رَأَی سَیّئَهً أَفْشَاهَا (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۵) خدایا به تو پناه می برم از غصه و غم و ناتوانی و سستی و بخل و ترس و انحراف در دین و غلبه مردان نابودی بیوه زنان و غفلت و ذلت و سنگ دلی و نیازمندی و بیچارگی و پناه می برم به تو از نفسی که سیرایی ندارد و قلبی که فروتنی ندارد و چشمی که نمی گرید و دعایی که شنیده نمی شود و

نمازی که سودی نـدارد و پناه می برم به تو از همسـری که مرا پیر کنـد قبل از دوره پیری و پناه می برم به تو از فرزنـدی که بر من آقایی کنـد و مالی که مایه عـذاب من باشد و پناه می برم به تو، از دوست حیله گر زمانی که خوبی می بیند پنهان می کند و وقتی بدی می بیند آشکار می گرداند.

۴- أَعُوذُ بِـكَ مِنْ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذَلَّ أَوْ أَضِـلَّ أَوْ أُضَـلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَـلَ أَوْ يُجْهَـلَ عَلَی (من لایحضـره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۷). خدایا به تو پناه می برم از این که کسی را خوار کنم یا خوار شوم، کسی را گمراه کنم یا گمراه شوم، به کسی ظلم کنم یا مورد ستم قرار گیرم، با کسی نادانی کنم یا مورد نادانی قرار گیرم.

۵- أَعُوذُ بِکَ یَا إِلَهِی أَنْ تُحِیطَ بِی خَطِیئَتِی وَ ظُلْمِی وَ إِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی وَ اتِّبَاعِی لِهَوَایَ وَ اشْتِغَالِی بِشَهَوَاتِی فَیَحُولَ ذَلِکَ بَیْنِی وَ بَیْنَ رَحْمَتِکَ وَ رِضْوَانِکَ فَأَکُونَ مَنْسِیّاً عِنْدَکَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِکَ وَ نَقِمَتِکَ (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۲) خدایا به تو پنـاه می برم از این که گناهانم و ظلم و تنـدروی هایم و هواپرستی هایم و سـر گرمی به شـهوات و هوس هایم که این ها مانعی بشوند بین من و رحمت و بهشت تو، در نتیجه در پیش گاه تو فراموش شوم و در معرض خشم و عذاب تو قرار گیرم.

۶- أَعُوذُ بِکَ أَنْ تَبْتَلِیَنِی بِبَلِیَّةٍ تَحْمِلُنِی ضَـرُورَتُهَا عَلَی التَّعَوُّدِ بِشَـیْ ءٍ مِنْ مَعَاصِیک (تهذیب الأحکام، ج ۳ ص ۷۴)، پناه می برم به تو از این که بیازمایی مرا به بلایی که ورود به آن مرا به گناهی عادت دهد.

ص:۱۱۰

۷- وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ تُدْخِلَنِی فِی حَالٍ کُنْتُ أَوْ أَکُونُ فِیهَا فِی عُسْرٍ أَوْ یُسْرٍ أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِیَکَ أَنْجَحُ لِی مِنْ طَاعَتِک (تهذیب الأحکام، ج۳، ص۷۴). پناه می برم به تو از این که در شرایطی قرار گیرم، شرایط سخت یا آسان که گمان کنم که با گناه موفق ترم تا طاعت تو.

خطر تکبر

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکِبْرِ (تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۸)، پناه می برم به تو از تکبر.

خطر بی اعتقادی وقت جان دادن

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْعَدِیلَه عِنْدَ الْمَوْت (تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۸۸)، پناه می برم به تو از این که لحظه جان دادن از اعتقادم بر گردم.

خطرهای معنوی و اعتقادی

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّکّ وَ الشِّرْک وَ الشِّقَاق وَ النِّفَاق وَ دَرَک الشَّقَاء وَ مَخَافَه الْعِدَی وَ سُوء الْمُنْقَلَب وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْر وَ الْفَاقَه وَ الْحِرْمَان وَ الْمُنَی وَ الْفَتْق وَ غَلَبَه الدَّیْن (مستدرک الوسایل، ج ۹، ص ۳۸۷) خدایا به تو پناه می برم از شک و شرک و جدایی و نفاق و بدبختی ساقط کننده و دشمن و بدعاقبتی و به تو پناه می برم از نداری و بیچارگی و محرومیت و مرگ و از هم پاشیدگی و چیره شدن بدهی.

ص:۱۱۱

فَإذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعذْ باللَّه منَ الشَّيْطان الرَّجيم (نحل، آیه ۹۸) و چون قرآن می خوانی، پس پناه ببر به خداونـد از شـیطان رانده شده.

شیطان خطری جدی

اشاره

چهارده بار خداوند در قرآن به انسان هشدار داده که شیطان دشـمن توست مواظب باش؛ در قرآن کریم ۸۸ بار نام این دشمن با شیطان یعنی موجودی شـرور و ۱۱ بـار، بـا نـام ابلیس یعنی موجودی مایوس و مایوس کننـده آمـده است. بیاییم این دشـمن خطرناک را بشناسیم و خود را برای رویارویی با او آماده کنند. باید پاسخ به این سئوالات را از قرآن بگیریم:

۱- ویژگی های شیطان کدام است؟

۲- اهداف شیطان کدامند؟

۳- ابزار کار شیطان چیست؟

۴- از چه روش هایی استفاده می کند؟

۵- راه های مقابله با او و خنثی کردن توطئه های او کدامند؟

الف ویژگی های شیطان

۱- دشمن دیرینه و دشمن قسم خوردهٔ انسان است. او قسم خورده که همه انسان ها را گمراه کند.

قالَ فَبعزَّتکَ لَأُغْویَنَّهُمْ أَجْمَعینَ (ص، آیه ۸۲).

ص:۱۱۲

دشمنی است که حملات همه جانبه دارد. قرآن می فرماید: ثُمَّ لآَتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَن شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف، آیه ۱۷) سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آن ها به سراغشان می روم.

۱- دشمنی مرموز است، او ما را می بیند اما ما او را نمی بینیم. إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لا تَرَوْنَهُمْ (اعراف، آیه۲۷).

۲- دشمنی است که هواداران و ایادی و تشکیلات اجتماعی دارد. قرآن کریم از قبیله و ذریّه شیطان سخن می گوید: إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لا تَرَوْنَهُمْ (اعراف، آیه ۲۷)، همان شیطان و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آن ها را نمی بینید. و در آیه ۱۲ سوره اسراء می خوانیم: فَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ، آیا شیطان و دودمانش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، درحالی که آن ها دشمن شما هستند!

۳- دشمنی است که تشکیلات سیاسی دارد. قرآن کریم از حزب شیطان سخن می گوید که: اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله، آیه ۱۹) شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آن ها برده، آنان حزب شیطان اند، بدانید که حزب شیطان زیان کارانند.

ص:۱۱۳

۱- دشمنی است که تشکیلات نظامی دارد. وَ اسْتَفْزِزْ مَن اسْتَطَعْتَ منْهُمْ بصَوْتکَ وَ أَجْلبْ عَلَیْهِمْ بخَیْلکَ وَ رَجلک (اسراء، آیه ۶۴)، هر کدام از آن ها را می توانی به صدایت تحریک کن، لشکر سواره و پیاده ات را بر آن ها گسیل دار.

۲- قرآن کریم از جنود و لشکریان شیطان سخن می گوید. وَ جُنُودُ إبْلیسَ أَجْمَعُون. و همگی لشکرایان شیطان (شعراء، آیه ۹۶)

۳- جمع کثیری را توانسته گمراه کند. وَ لَقَدْ أَضَلَّ منْکُمْ جبلاًّ کَثیراً أَفَلَمْ تَکُونُوا تَعْقلُون (یس، آیه ۶۲). او (شیطان) گروه زیادی از شمار را گمراه کرد، آید اندیشه نمی کنید؟

۴- به سراغ همه حتی با تقوایان و حتی انبیاء می رود. انَّ الَّذینَ اتَّقَوْا إذَا مَسَّهُمْ طَائفٌ منَ الشَّیْطَان تَذَکَّرُوا فَإذَا هُمْ مُبْصرُونَ، همانا پرهیزگاران هنگامی که وسوسه ای از شیطان به آنان می رسد، یا شیطانی دورزننده به فکرشان آسیب رساند (بی درنگ) متذکر می شوند و در پرتو یاد او بینا و بیدار می شوند.

ب- اهداف شیطان

قرآن کریم از اهداف بلند و کلان شیطان پرده برداری کرده و به خداپرستان آگاهی داده تا بتوانند در مقابل او بایستند. اگر ما درمورد اهداف شیطان اشتباه کنیم، در جایی سرمایه گذاری می کنیم که بی فایده است. باید بدانیم او تخریب چه موقعیت هایی را برنامه ریزی

ص:۱۱۴

کرده و در همان مناطق پدافند بگذاریم. شناخت اهداف شیطان، ما را در سرکوبی او موفق می کند. حال به سراغ قرآن برویم و اهداف شیطان را بشناسیم.

۱- ایجاد تفرقه

قران کریم می فرماید: إِنَّما يُرِيدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاء (مائده، آیه ۹۱). شیطان می خواهد بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند؛ حتی به خانه پیامبری چون یعقوب وارد می شود و بین فرزندان پیامبر حسادت ایجاد می کند و کار را به جایی می رساند که برادران در انداختن برادر کوچک خود در چاه متفق می شوند و حاضر می شوند سال ها پدر عزیز را در فراق فرزند بسوزانند؛ آری این همان تحلیل حضرت یوسف در پایان داستان است که فرمود:

وَ رَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلىَ الْعَرْشِ وَ خَرُّواْ لَهُ سُجَّدًا وَ قَالَ يَأَبَتِ هَاذَا تَأْوِيلُ رُءْيَاىَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبىِّ حَقًّا وَ قَدْ أَحْسَنَ بىِ إِذْ أَخْرَجَنىِ مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنىِ وَ بَينْ َ إِخْوَتىِ إِنَّ رَبىِّ لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الحْكِيمُ (۱۰۰یوسف، آیه ۱۰۰) و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند و همگی بخاطر او به سجده افتادند و گفت: پدر! این تعبیر خوابی است که قبلًا دیدم پروردگارم آن را حقّ قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به این جا) آورد بعد از آنکه شیطان،

میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند،) صاحب لطف است چرا که او دانا و حکیم است.

۱- جلوگیری از یاد خدا و نماز

وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ وَ عَنِ الصَّلاهِ(مائده، آیه ۹۱). و شیطان از ذکر خدا و از نماز جلوگیری می کند. شیطان می داند که هرجا یاد و نام خدا باشد، او ناموفق است. مشهور است که جن (شیطان) از بسم الله گریزان است. از همین روست که فرموده اند که در آغاز هرکاری، کوچک باشد یا بزرگ، مادی باشد یا معنوی، بسم الله بگویید و راه نفوذ شیطان را ببندید. در حدیث می خوانیم در خانه هایی که صدای اذان و تلاوت قرآن بلند است، شیطان وارد نمی شود. قرآن می فرماید: شیطان درصدد فراموش نمودن یاد خداست «اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِکْرَ اللّهِ» (مجادله، آیه ۱۹).

۲- گمراه کردن

هدف مهم شیطان، گمراه کردن انسان است او در صراط مستقیم کمین می کند و بندگان خدا را به دام می اندازد. قرآن می فرماید: قالَ فَبِما أَغْوَیْتَنی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ. (اعراف، آیه ۱۶) من بر سر راه مستقیم تر در برابر آن ها کمین می کنم.

یُریـدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضـلَّهُمْ ضَـلالاً بَعیـدا. (نساء، آیه ۶۰) شـیطان می خواهـد انسـان را گمراه کنـد و بـه بیراهه هـایی دوردسـت بیافکند.

۱- کشف حجاب

یکی از اهداف مهم شـیطان، برهنگی انسان از لباسـی است که خداوند آن را از آسمان برای او فرستاد و فرمود: یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنـا عَلَیْکُمْ لباساً یُواری سَوْآتکُمْ (اعراف، آیه ۲۶)؛ نازل کردیم برایتان لباسـی را که اندام شـما را بپوشاند. خداوند انسان را برای هـدفی مقدس و متعالی آفرید، اما شـیطان تصـمیم گرفت با کشف حجاب و ریختن لباس، انسان را به اندام خود و غریزه جنسی مشغول کند تا از همه اهداف خود عقب بماند و این هدف را در اولین حرکت خود در قصه آدم و حوا نشان داد. وقتی آدم و حوا به فرمان خـدا در آن باغ بزرگ مسـتقر شدنـد خداونـد به آن دو فرمود: هرچه می خواهید از خوردنی های این باغ بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید بود. شـیطان با تردستی و ظرافت، خود را به آدم و حوا نزدیک کرد و به آن ها گفت: این که خداوند شما را از خوردن میوه این درخت نهی کرده، دلیلش این است که اگر بخورید جاودان می شوید و اگر بخورید فرشته می شوید و از آن جا که آدم و حوا جاودانگی و فرشته خویی را دوست داشتند با تردید

به میوه درخت نهی شده نزدیک شده کمی از آن را چشیدند، ناگهان دیدند لباس هایشان ریخت. آری شیطان به هدف خود رسیده بود، اما آدم و حوا خیلی زود متوجه اشتباه خود شده با برگ درختان خود را پوشیدند و دست به دعا برداشته از خداوند درخواست بخشش کردند، خداوند نیز آنان را بخشید و به خاطر این که این تجربه برای آیندگان مورد استفاده قرار گیرد فرمود: یا بَنی آدَمَ لا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطانُ کَما أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ منَ الْجَنَّه یَنْزِعُ عَنْهُما لباسَ هُما (اعراف، آیه ۲۷). ای فرزندان آدم (داستان شما داستان آدم است)، نکند شیطان شما را فریب دهد؛ همان گونه که آدم و حوا را فریب داد و لباس شان را از آن ها جدا کرد. این لباس، لباس کرامت شماست. برهنگی و بی حجابی، هدف شیطان است؛ گول نخورید.

امروز شیطان های بزرگ و کوچک با هزاران ابزار نظیر: فیلم، هنر، داستان، رمان، ماهواره، اینترنت، نشریه و... میلیاردها دلار هزینه می کنند تا این هدف تحقق یابد که اگر تحقق یابد بازار بندگی خدا و معنویت انسان تعطیل خواهد شد.

۱- توسعه فحشا

قرآن می فرماید: یَا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّبعُوا خُطُوَات الشَّیْطَان وَمَنْ یَتَّبعْ خُطُوَات الشَّیْطَان فَإنَّهُ یَأْمُرُ بالْفَحْشَاء وَالْمُنْكَر. (نور، آیه ۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید از گام های شیطان پیروی نکنید، چرا که هرکس از شیطان پیروی کند، او به فحشاء و منکر فرمان می دهد. آری شیطان به زشتی ها و بدی ها امر می کند. خدای رحمان به دنبال تزکیه و پاکی انسان است و شیطان در قصد آلوده کردن انسان و این جنگ، جنگی تمام ناشدنی است. جنگ بین حق و باطل، روشنی و ظلمت، در یک سو لشکریان رحمان و در سویی لشکریان شیطان.

۱- مصرف بی رویه و تبذیر

امکاناتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده، امانت های خدا در دست انسان است و باید هدف دار و در جای خود و به اندازه خرج شود. اما شیطان با استفاده از غرائز انسان، او را تحریک می کند که این امکانات را در مسیر هوس ها و خودپرستی های خودش بی رویّه خرج کند. قرآن مبذرین را برادران شیطان لقب داده است: إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوانَ الشَّياطِينِ وَ كانَ الشَّيْطانُ لِرَبِّه كَفُوراً (اسراء، آیه ۲۷). حقاً آنان که اموالشان را در راه حرام و باطل ریخت و پاش می کنند، برادران شیطان هستند و شیطان همیشه در مقابل پروردگارش بسیار کافر و ناسپاس است.

ج- ابزار شیطان

در دشمن شناسی، شناخت ابزار دشمن خیلی مهم است. آیا با شمشیر می جنگد یا با بمب یا بمب تخربی یا شیمیایی، با تانک یا

ص:۱۱۹

تفنگ، با فشنگ ها یا با امواج. جنگ سخت یا جنگ نرم، به سراغ قرآن برویم و با ابزار شیطان از زبان قرآن آشنا شویم.

۱- شراب و قمار

إِنَّما يُرِيـدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَـداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِر. (مائده، آيه ۹۱)، جز اين نيست كه شيطان می خواهد ميان شما با شراب و قمار دشمنی بيافكند.

متأسفانه امروزه رواج شراب و قمار در جامعه بشری غوغا می كند. حدود ۸۰٪ انگور توليدی در جهان به شراب تبديل می شود(۱) و اين به معنای موفقيت شيطان است.

۲- موسيقی

انسان صدای خوب و صوت دلنشين و موزون را دوست دارد. اسلام هم مدافع صدای خوب است و سفارش می كند كه قرآن و اذان را مسلمانان با صدای خوب بخوانند؛ اما شيطان از همين جاذبه برای كار خودش استفاده می كند و موسيقی را در خدمت گمراهی انسان قرار می دهد و عقل او را تعطيل و شهوت او را تحريک می كند. قرآن كريم در آيه ۶۴ سوره اسراء، يكی از ابزار كار شيطان را صوت و موسيقی معرفی می كند. وَاسْتَفْزِزْ مَن

ص:۱۲۰

۱- [۱] . گياهان در قرآن، دكتر محمد اقتدار حسين، ترجمه احمد نمايی، ص ۴۳.

اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِکَ، ای شیطان هرکسی را که می توانی با آوای خود (به گناه) برانگیز.

۳- ربا

شیطان در همه حوزه ها، از جمله در حوزه اقتصاد حضور پیدا می کند و اموال مردم را آلوده می کند و به قول قرآن: شریک اموال مردم می شود. وَ شارِکْهُمْ فِی الْأَمْوالِ (اسراء۶۴) با آنان در اموال و فرزندان شرکت نما. خداوند حکیم، ربا را حرام و جنگ با خدا شمرده، اما شیطان انسان را وسوسه می کند که ربا مثل بیع و معامله است و تفاوتی بین آن ها نیست. قرآن کریم می فرماید: رباخور وقتی در قیامت محشور می شود تعادل ندارد و پیداست که شیطان با او تماس داشته است. الَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَا لا یَقُومُونَ إِلا کَمَا یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (بقره، آیه ۲۷۵) کسانی که ربا می خورند (در قیامت) برنمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان دیوانه شده است (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد). توسعه و ترویج مال حرام از برنامه های شیطان است. امروزه شیاطین جهان خوار زیر پوشش انواع شرکت های مالی و اقتصادی خون مستضعفان را می مکند و یک درصد بر منافع نود و نه درصد، حاکمیت دارند.

۳- نگاه

در حدیث می خوانیم: النَّظَرُ سَهْمٌ منْ سهَام إبْلیسَ مَسْمُومٌ (الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹) نگاه آلوده، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. شیطان انسان را به نگاه آلوده تحریک می کند و چه بسا با یک نگاه او را به قعر جهنم می فرستد. در حدیث می خوانیم: کَمْ منْ نَظْرَهٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَهً طَویلَهً (الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹).

چه بسا یک نگاه حسرت ابدی را به دنبال دارد. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۹) رسول خدا (ص) فرمود: ایها النّاس انّما النظر من الشیطان، ای مردم: نگاه آلوده از شیطان است.

۴- حاکمیت طاغوت

طاغوت یکی از ابزارهای شیطان است که برنامه های شیطان را موبه مو اجرا می کند. رسالت مهم انبیاء دعوت به یکتا پرستی و اجتناب از طاغوت بوده است. وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَن اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنبُوا الطَّاغُوت (نحل، آیه ۳۶).

قرآن کریم مراجعه به حاکم جابر و طاغوت را ممنوع و آن را زمینه گمراهی شیطان معرفی می کند و در سوره نساء می فرماید: اَلَمْ تَرَ إلَی الَّذینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بمَا أُنْزلَ إلَیْکَ وَمَا أُنْزلَ منْ قَبْلکَ یُریدُونَ أَنْ یَتَحَاکَمُوا إلَی الطَّاغُوت وَقَدْ أُمرُوا أَنْ یَکْفُرُوا به وَیُریدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُضلَّهُمْ ضَلالا بَعیدًا. (سوره نساء، آیه ۶۰) آیا ندیدی کسانی را

ص:۱۲۲

که گمـان می کننـد به آن چه بر تـو و بر پیشـینیان نـازل شـده ایمـان آورده انـد، ولی می خواهنـد برای داوری نزد طـاغوت و حاکمان باطل بروند، یا این که به آن ها دسـتور داده شده که به طاغوت کافر شوند. امّا شـیطان می خواهد آنان را گمراهکند، گمراهی عمیقی.

۳- بحث و گفت وگو، جَدَل و کشمکش

همه ابزارهای شیطان جذاب و به ظاهر زیباست. مثل موسیقی، شراب، قمار، نگاه و ...

بحث و گفت وگو نیز موردپسند انسان هاست از این ابزار هم شیطان

برای مقاصـد خـود اسـتفاده می کنـد. قرآن می فرمایـد: إِنَّ الشَّیَاطِینَ لَیُوحُونَ إِلَی أَوْلِیَائِهِمْ لِیُجَادِلُوکُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّکُمْ لَمُشْرِکُونَ (انعام، آیه ۱۲۱) شـیطان هـا برای دوسـتان خود مطـالب مخفیـانه القـاء می کننـد تـا با شـما به مجادله و گفت وگو برخیزنـد، اگر از آن هـا اطـاعت کنیـد، شـما هم مشـرک خواهیـد بود. انگیزه های گفت وگو می توانـد سالم یا مخرّب باشـد. شیطان از این قالب جذّاب برای تخریب استفاده می کند.

د- روشهای شیطان

در دشـمن شناسـی از ظریف ترین بخش ها، شناخت روش هاست. حتی اگر اهداف و ابزار دشمن را بشناسیم، اما ندانیم با چه روش هایی این اهداف را پیاده می کند، بازی را خواهیم باخت. باز به

سراغ کتاب انسان ساز خدای بزرگ، یعنی قرآن می رویم تا از این کتاب روش های شیطان را بشناسیم و با بصیرت با او روبه رو شویم:

۱- روش تدریج و گام به گام

شیطان در گمراه کردن انسان عجله ندارد. با برنامه ریزی دراز مدت انسان را گام به گام به کام بدبختی می کشاند. بارها در قرآن می خوانیم: خطوات الشیطان، گام های شیطان، او از کم شروع می کند تا به زیاد برسد؛ از گناهان کوچک شروع می کند تا به گناهان بزرگ برسد. از شوخی شروع می کند تا به جدی برسد. پنج بار در قرآن واژه خطوات شیطان به کار رفته است و خداوند می فرماید: یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ (نور، آیه ۲۱)، ای کسانی که ایمان آورده اید، از گام های شیطان پیروی نکنید. آری شیطان برای رسیدن به مقصد خود برای شکستن انسان برنامه دارد. برنامه کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت.

۲- روش تزیین

شیطان پیشنهادات خود را می آراید و در بسته بندی فوق العاده شیک و جذاب عرضه می کند و انسان گول همین زیبایی ظاهری را می خورد و غذای مسموم را به خاطر رنگ آمیزی و جلوهٔ ظاهریش می خورد (قرآن می فرماید) زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبیلِ فَهُمْ لا یَهْتَدُونَ (نمل، آیه ۲۴) شیطان کارهایشان را زینت می دهد، آن ها را از راه بازداشته از این رو هدایت نمی شوند و از

ص:۱۲۴

قول خود شیطان می فرماید: لأَزَیِّنَنَّ لَهُمْ فی الأرْض وَلأُغْویَنَّهُمْ أَجْمَعینَ (حجر، آیه ۳۹) من حتماً تزیین خواهم کرد و همگی را گمراه خواهم ساخت.

۱- توجیه

روش دیگر شیطان توجیه است. انسان وقتی به کار نادرست می رسد تردید می کند شیطان با توجیه هایش او را قانع می کند تو جوانی، عیب ندارد، به زودی توبه می کنی جبران می شود یا می گوید: شانس من این بود، قضا و قدر چنین بود چه کنم، پدران ما چنین کردند ما چنین شدیم. مقدر نبود من نمازخوان باشم. مشرکان می گفتند: اگر خدا می خواست مشرک نمی شدیم، بت ها را نمی پرستیدیم (نحل، آیه ۳۵). یزید در توجیه شهادت امام حسین(ع) می گفت: خدا این گونه خواسته است. منافقین در صدر اسلام پایگاه تفرقه ایجاد کردند، ولی نام مسجد را روی آن گذاشتند و می گفتند: این پایگاه اسلام است. هارون الرشید امام کاظم(ع) را زندانی کرد و سر قبر پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله عذرخواهی می کنم. این کار را کردم چون فرزندت می خواست دو دستگی ایجاد کند.

در بسیاری از مسائل اجتماعی، شیطان مردم را توجیه می کند تا به عمل حرام دست بزنند، می گوید: رسم چنین است، اگر این کار را نکنی زشت است «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» زدند و ما رقصیدیم. همه دارند این کار را می کنند اگر هم رنگ نمی شدیم

مـا را مسـخره می کردنـد. بعضـی هم بـا این توجیهات و می گوینـد: ما دیگر غرق در گناهیم. آب که از سـر گذشت چه یک وجب چه صـد وجب. سـیگار می کشد، می گوید: عادت کردم. ۶۰ سال دارد بی سواد است، می گویـد: از ما گذشـته. یا می گویـد: خجالت می کشم. دروغ می گویـد، بعد توجیه می کند که شوخی کردم. غیبت می کند و می گوید: در حضورش هم می گویم.

۱- وسوسه

اگر طلا و جواهرات زیادی اگر در جایی باشـد، در اثر جابه جایی آن ها صـدایی سـحرآمیز به گوش انسان می رسد که آن را وسواس می گویند. از آن گذشته به پیام های تحریک آمیز که انسان را به سمت بدی دعوت می کند و افکار و اوهام مطلوبی که در درون و جـان انسـان پیـدا می شود، وسوسه گفته انـد. شـیطان انسان را با وسوسه رام و خام کرده و به گناه می کشانـد. قرآن می فرماید: إنَّ الشَّیَاطینَ لَیُوحُونَ إلَی أَوْلیَائهمْ (انعام، آیه ۱۲۱) شیاطین پیام های آهسته به هوادارانشان القاء می کنند. در سـوره نـاس مـا به سه اسم خـدا از این خطر مهم به خـدا پنـاه می بریم. بسم الله الرحمن الرحیم، قُـلْ أَعُوذُ برَبّ النَّاس (۱)مَلك النَّاس (۲) إلَه النَّاس (۳)منْ شَرّ الْوَسْوَاس الْخَنَّاس (۴)الَّذی یُوَسْوسُ فی صُدُور النَّاس (۵) من الجنه و الناس (۶) بگو پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه

ص:۱۲۶

مردم، معبود مردم، از سر وسوسه گر پنهان که در سینه های مردم نفوذ می کند خواه از جن باشد یا از انسان.

۱- ترساندن

یکی دیگر از روش های شیطان ترساندن است. او از طریق ترساندن انسان را وادار به گناه می کند. قرآن می فرماید: الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشاء (بقره، آیه ۲۶۸)، شیطان مردم را از فقر آینده می ترساند و مانع انفاق آن ها می شود. به محض این که تصمیم گرفت به بینوایی کمک کند، می گوید خودت آینده داری، بچه داری، مریضی داری، برای خودت نگه دار.

قرآن می فرماید: شیطان مسلمانان را از دشمن می ترساند و تسلیحات و امکانات و نفرات دشمن را به رخ آن ها می کشاند تا از مقاومت دست بردارند؛ اما خداوند می فرماید نترسید اگر ایمان دارید.

إِنَّمَا ذَلِکُمُ الشَّیْطَانُ یُخَوّفُ أَوْلِیَاءَهُ فَلاَ تَخَافُوهُمْ وَخَافُون إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمنینَ (آل عمران، آیه ۱۷۵)، این فتوای شیطان است که پیروان خود را با سخنان و شایعات بی اساس می ترساند؛ از آن ها نترسید و شما از من بترسید اگر ایمان دارید.

۲- وعده دادن

روش دیگر شیطان، گمراه کردن انسان از راه وعده های پوشالی و دروغ است. قرآن می فرماید: یَعِدُهُمْ وَیُمَنّیهِمْ وَمَا یَعِدُهُمُ الشَّیْطَانُ إِلا

غُرُورًا (نساء، آیه ۱۲۰)، شیطان به آن ها وعده می دهد و به آرزوها سرگرم می کند درحالی که جز فریب و نیرنگ نیست.

شیطان برای فریب دادن آدم و حوا به آن ها وعـده داد که اگر از این درخت بخورید زندگی و حکومت ابدی خواهید داشت. جالب این است که هم خداونـد وعـده می دهد و هم شـیطان؛ اما وعده های خداوند راست است وَ لَنْ یُخْلفَ اللَّهُ وَعْدَه (حج، آیه ۴۷). اما وعده های شـیطان فریب است. قرآن می فرماید: رسـتاخیز که به پا شد و کار کیفر و پاداش به اتمام رسید، شیطان از روی ملامت به دوزخیان می گویـد: همانا خداونـد به شـما وعده داده است و من به شـما وعده دادم، ولی من تخلف کردم؛ من بر شـما تسـلطی نداشتم جز آن که شما را دعوت کردم و شما به میل خود استجابت کردید پس مرا ملامت نکنید و خود را سرزنش کنید. (ابراهیم، آیه ۲۲)

۱- کمین کردن

شیطان دشـمن زیرکی است که در کمین انسان می نشیند تا او را به دام بیاندازد و هم چون صیادی ساعت ها و گاهی روزها و ماه ها منتظر می ماند تا ساعت موعود فرا رسد و صـید به دام افتد. قرآن از قول شـیطان می گوید: قَالَ فَبِمَا أَغْوَیْتَنِی لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَکَ الْمُسْتَقِیمَ (اعراف، آیه ۱۶) خدایا برای فریب دادن بندگانت، بر سر راه راست تو به کمین خواهم نشست.

ص:۱۲۸

آری چنین دشمنی در کمین ماست. آیا جز با یاد خدا و مدد از خداوند می توانیم از شر او مصون بمانیم. راهی که خداوند به ما نشان داده نماز است: اسْتَعینُوا بالصَّبْر وَ الصَّلاه (بقره، آیه ۱۵۳).

ه_ – راه های مقابله و خنثی سازی

۱- استعاذه و پناه بردن به خدا

قرآن کریم می فرماید: وقتی هجوم شیطان متوجه شما شد، خودرا به خدا بسپار و از لطفش مدد بخواه، زیرا او سخن تو را می شنود و از اسرار درونت آگاه و از وسوسه های شیطان باخبر است. وَ إمَّا یَنْزَغَنَّکَ منَ الشَّیْطَان نَزْغٌ فَاسْتَعذْ باللَّه إنَّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ (اعراف، آیه ۲۰۰ و فصلت، آیه ۳۶) هرگاه وسواسی از جانب شیطان به سراغت آمد به خدا پناه ببر که او شنوای داناست.

۳- یاد خدا

قرآن می فرماید: إنَّ الَّذینَ اتَّقَوْا إذَا مَسَّهُمْ طَائفٌ منَ الشَّیْطَان تَذَکَّرُوا فَإذَا هُمْ مُبْصرُونَ (اعراف، آیه ۲۰۱) پرهیزکاران این گونه اند که وقتی گرفتار وسوسه های شیطان می شوند به یاد خدا می افتند و در پرتو یاد خدا بینا می گردند.

۴- اخلاص

قرآن می فرماید: شیطان گفت به عزت تو سوگند که همه بندگانت را گمراه می کنم، مگر آنان که مخلص باشند. قَالَ فَبعزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعینَ إلَّا عبَادَکَ منْهُمُ الْمُخْلَصین (ص، آیه ۸۳) معلوم می شود مخلصین درمنطقه نفوذ و حوزه وسوسه شیطان قرار نمی گیرند. همانان که در راه معرفت و بندگی خدا از روی اخلاص و صدق و صفا گام برمی دارند. قرآن در آیه ۲۰ سوره سبا می فرماید: گمان شیطان دربارهٔ آن ها به واقعیت پیوست و جز گروهی از مومنان همه از او پیروی کردند.

۳- قطع رابطه با هواداران شیطان

قرآن می فرماید: وَ إذا رَأَیْتَ الَّذینَ یَخُوضُونَ فی آیاتنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی یَخُوضُوا فی حَدیثٍ غَیْره وَ إمَّا یُنْسیَنَّکَ الشَّیْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذّکْری مَعَ الْقَوْم الظَّالمین (انعام، آیه ۶۸) هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزاء می کنند، از آن ها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند، و اگر شیطان از یاد تو برد، هرگز پس از یادآمدن با این جمعیت ستم گر منشین.

پایان

ص:۱۳۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹